

## انیمیشن؛ هنر ایده نه ابزار

صفحه ۲



تلویزیون می تواند انیمیشن را به اوج برساند / ۷

جاده هموار پویایی / ۷

دریچه های بهبود وضعیت انیمیشن در ایران / ۸ و ۹



## انیمیشن؛ هنر ایده نه ابزار

علی افشار

یکی از راهکارهایی که در ترغیب و تشویق سازندگان آثار انیمیشن تاثیرگذار است، ایجاد عادت به دیدن انیمیشن در مخاطبان گسترده تلویزیون است که بویژه شبکه تلویزیونی پویا، نقشی اساسی در این زمینه دارد. هفته گذشته، مدیر تامين برنامه شبکه پویا خبر داد این شبکه کارتون‌های انیمیشن متنوعی برای نوروز ۹۳ آماده پخش کرده که حجم بیشتر آنها را کارتون‌های مشهور خارجی تشکیل می‌دهد. کنداکتوری که البته می‌توان در آینده حضور پر تعداد انیمیشن‌های ایرانی را هم در آن متصور بود.

انیمیشن در کشور ما از نظر توان و امکانات حرف‌هایی برای گفتن دارد و باید بتوان از این تخصص بویژه در رسانه تلویزیون بیشتر استفاده کرد. این روزها البته وضعیت انیمیشن تلویزیونی به نسبت گذشته نه چندان دورش، در شرایط خوبی قرار دارد. مخاطب امروز سیما با شبکه پویا به‌عنوان شبکه تخصصی پخش کارتون و پویانمایی روبه‌روست و در شبکه‌های مختلف سیما به این زمینه تخصصی رسانه، توجه شده است. مرکز صبا، حوزه هنری و سایر تشکلهای زیرمجموعه صداوسیما یا بخش خصوصی نیز در زمینه انیمیشن فعالیت‌هایی داشته‌اند و هر ساله هنر جوان این رشته به شکل عملی به گروه‌های انیماتور می‌پیوندند.

اما نکته‌ای که در این میان بسیار اهمیت دارد و نباید در مسیر دستیابی به تحول و پیشرفت از آن غفلت کرد، آسیب‌شناسی انیمیشن در ایران بویژه در تلویزیون است. در همه این سال‌ها، تجارب ریز و درشتی در این زمینه شده است. در تلویزیون و در قالب جشن‌ها و جشنواره‌ها به این زمینه توجه شده است. نشست‌های تخصصی مختلفی در جشنواره‌های سینمایی همچون جشنواره بین‌المللی پویانمایی و جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان برپا شده و مقالات و پژوهش‌های زیادی در این مقوله در قالب مجلات تخصصی ارائه شده است، اما همه اینها وقتی می‌تواند انیمیشن ایرانی را به نتیجه مطلوب برساند که به وجه هنری آن بیش از وجه صنعتی‌اش پرداخته شده باشد.

کارشناسان انیمیشن در همه بررسی‌ها و نشست‌های خود بر این واقعیت صحت گذاشته‌اند که انیمیشن بیش از آن که زائیده ابزار و فناوری باشد، ناشی از خلاقیت است که این خلاقیت و توان فکری و اجرایی باید هم در ایده به کار گرفته شود و هم در نگارش و پرداخت فیلمنامه، همان‌طور که انیمیشن‌های مشهور تاریخ سینمای دنیا، بدون ایده جذاب و فیلمنامه قوی هیچ‌گاه نمی‌توانستند نسل‌های مختلف را مسحور خود کنند. در واقع این نسخه همیشه فراتر از ابزار کار ساز بوده است. چه آن زمان که انیمیشن با شیوه‌های قدیمی نقاشی متحرک و پویانمایی اجرا می‌شد و چه امروز که تکنیک سه‌بعدی رایانه‌ای نسل جدید را با خود همراه کرده است. اگر ایده، فیلمنامه و البته اجرا در انیمیشن قوی نباشد، بهترین و اخلاقی‌ترین رویکردها و مضامین هیچ‌گاه نخواهد توانست بر مخاطب تاثیر مورد نظر را بگذارد و بویژه با مخاطبان انبوه کودک و نوجوان ارتباط لازم را برقرار کند.

در سال‌های گذشته انیمیشن‌های بلند سینمایی از سوی هنرمندانی مانند وحید نصیریان، بهروز یغماییان، بهرام عظیمی و... ساخته شده‌اند و در این میان حتی کار عظیمی (تهران ۱۵۰۰) در سالی که گذشت نامش را به‌عنوان یکی از پرفروش‌های سینمایی سال ثبت کرد، اما واقعیت آن است که سینما و رسانه ملی باید بیش از این به خواست مخاطب توجه کنند و نیاز مخاطب به انیمیشن وطنی را جدی بگیرند.

## حامد بهداد / بازی در نقش شهید جهان آرا



حامد بهداد که چندی قبل با بازی در فیلم «آرایش غلیظ» به کارگردانی حمید نعمت‌الله، نامزد دریافت سیمرغ بهترین بازیگر مرد از جشنواره فیلم فجر شده بود، قرار است در سریال «کیمیا» به کارگردانی سعید سجادی حسینی در کنار نیکو کریمی و دیگر بازیگران این سریال به ایفای نقش بپردازد.

او که پیش از این نیز در فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی مثل یک مشت پرقاب، آسمان من، سقوط آزاد، آخرین دعوت و چرکنویس حضور داشته، قرار است در سریال کیمیا نقش شهید جهان آرا را بازی کند که گرچه برای او نقشی متفاوت به شمار می‌آید، اما به واسطه حضور در سریال سقوط آزاد به کارگردانی علیرضا امینی و ایفای نقش سرگرد امیر صابری با ایفای نقش‌های اینچنینی چندان هم بیگانه نیست. طبق گفته‌ها اگر همه چیز درست پیش برود پیش از آغاز سال ۹۳، بازی بهداد در سریال شروع خواهد شد، در غیر این صورت شاهد حضور او در نقش جهان آرا در فروردین ۹۳ خواهیم بود. سردار سرلشکر پاسدار سیدمحمدعلی جهان آرا معروف به محمد جهان آرا یکی از فرماندهان سپاه پاسداران در جنگ ایران و عراق بود که در زمان این جنگ بر اثر سانحه هوایی به شهادت رسید.

بازی بازیگران مشهور در نقش شهیدی دوران دفاع مقدس، اگر با انتخاب هوشمندانه و درست همراه باشد، می‌تواند در کارنامه بازیگری یک بازیگر به عنوان نقطه عطف ثبت شود؛ اتفاقی که پیش از این درباره بازیگرانی همچون سیدجواد هاشمی، شهاب حسینی، فریبرز عرب‌نیا، حامد کمیلی و دیگران رخ داده است.

## نگین صدق گویا / در انتظار فیلمنامه خوب



نگین صدق گویا، بازیگر سینما و تلویزیون که چند سال پیش بازی جالب توجه او را در سریال به کجا چنین شتابان به کارگردانی ابوالقاسم طالبی دیده بودیم، درباره حضور کمرنگش در سریال‌های تلویزیونی گفته است: من نتوانستم به هیچ‌کدام از فیلمنامه‌ها پاسخ مثبت بدهم؛ بنابراین ترجیح دادم پیشنهادها را رد کنم و در آثاری که بعد به دلیل حضور در آنها مواخذه شوم، بازی نکنم؛ یعنی آثار ضعیفی که همکاران یا دوستانم بگویند این چه

سریالی بود که در آن بازی کردی! او گفته است: می‌ترسم و به دلیل کم‌کاری فراموش شوم، اما ترجیح می‌دهم کار ضعیف بازی نکنم و بی‌کار باشم. من خودم کارهایی را از دیگران دیده‌ام و از خود پرسیده‌ام چرا این هنرمند در چنین کاری بازی کرده است. به همین دلیل خود نمی‌خواستم در چنین موقعیتی قرار بگیرم. بازیگر سریال‌های لبه آتش و شب‌ها و فیلم‌های واکنش پنجم و زن امروز با یادآوری نقش خود در سریال به کجا چنین شتابان گفته، دوست دارد دوباره نقشی مثل نقشی را که در این سریال داشته است بازی کند، زیرا بازخوردهای خیلی خوبی به دلیل بازی در آن داشته است.

شب‌ها (ساخته رضا کریمی) و لبه آتش (جواد افشار) از دیگر فعالیت‌های تلویزیونی صدق گویا در سال‌های اخیر به شمار می‌روند.

## هومن برق‌نورد / حضور نوروزی با یک هدیه شیرین



هومن برق‌نورد که بازی متفاوتش در فیلم سینمایی «بیگانه» مورد توجه منتقدان سینمایی و تماشاگران سی و دومین جشنواره فیلم فجر قرار گرفت، این روزها مشغول ایفای نقش در مجموعه تلویزیونی «روزهای بد، در» به کارگردانی سعید آقاخانی است. او در گفت‌وگویی این سریال را اثری شیرین و قصه آن را متعلق به طبقه متوسط و پایین جامعه دانسته است.

برق‌نورد که در این سریال نقش پرویز را بازی می‌کند درباره ویژگی‌های آن گفته است: «روزهای بد، در» داستان خانواده‌ای گرم و صمیمی است که با وجود همه مشکلات و دغدغه‌هایی که دارند با شادی و خوشی روزها را کنار هم سپری می‌کنند، اما نیت ما در این مجموعه، هدیه یک کار شیرین و دوست‌داشتنی به مردم است و به هیچ‌وجه نمی‌خواهیم بیننده از خنده پای تلویزیون ریسه برود.

بازیگر سریال‌های دودکش، ساختمان پزشکان و دزد و پلیس، درباره پیش‌بینی خود از کیفیت این سریال گفته است: به نظرم این سریال قابلیت دیده شدن و مورد استقبال قرار گرفتن را دارد، اما برای شتابزدگی سریال‌های مناسبی هیچ دلیلی نمی‌بینم؛ زیرا به هر حال تلویزیون می‌داند که ماه رمضان، نوروز یا ماه محرمی در پیش است و باید کارهای مناسبی تولید شود؛ بنابراین دیر اقدام کردن برای ساخت سریال هیچ توجیهی نمی‌تواند داشته باشد مگر کم کردن هزینه‌های تولید آن. روزهای بد، در برای نوروز ۹۳ تولید می‌شود.

## جواد زیتونی / دست و پنجه نرم کردن با بیماری دیابت



جواد زیتونی، بازیگر پرکار تئاتر و تلویزیون که چندی پیش به عنوان بازیگر مجموعه «آوای باران» مهمان خانه‌ها بود و این روزها در نمایش «کلوچه دارچینی» روی صحنه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌رود، از بیماری دیابت رنج می‌برد.

مرضیه سلامتی‌پور، همسر این بازیگر درباره بیماری او گفته است: از آنجا که یک چشم ایشان دچار نقص است، بسیار نگرانم که این بیماری بر چشم دیگرش نیز تاثیر بگذارد، چون بیماری دیابت بیماری خاموش و بسیار خطرناکی است.

از سوی دیگر مشکلات دیگری هم دارد و ممکن است پایش آسیب جدی ببیند به همین دلیل شرایط بسیار خطرناکی دارد و من واقعا برای حال ایشان نگرانم. ایشان جزو آن دسته از اعضای انجمن نمایش است که بیمه‌شان دچار مشکل شده و به همین دلیل هزینه درمانش بسیار بالاست.

زیتونی با بازی در فیلم «مجسمه» به کارگردانی ابراهیم وحیدزاده وارد سینما شد و پس از آن در مجموعه‌های تلویزیونی متعددی همچون «کلاه پهلوی»، «تکیه بر باد»، «مختارنامه»، «روشن‌تر از خاموشی» و «ساختمان ۸۵» به ایفای نقش پرداخته است.

## الناز شاکردوست / تجربه تونل مرگ



نشسته و در انتهای پاشنه خودش پروانه‌ای دارد که این پروانه هنوز کار می‌کند و هر چیزی را که نزدیکش می‌شود، می‌بلعد. ناگهان احساس کردم که نیروی زیادی دو پایم را به سمت پایین می‌کشد. من با این‌که شناگر خوبی هستم، با تمام قدرت فقط دست و پا می‌زدم. مدام سعی می‌کردم شنا کنم تا مقاومت کرده باشم، چرا که نیروی آب زیادتر از توان من بود.

بازیگر فیلم‌های کیش و مات، از ما بهتران و رسوایی با بیان این‌که مرگ را با تمام شکوهش پذیرفته است، گفته: هوا بسیار زیاد سرد بود و از جایی به بعد سردی آب اجازه نمی‌داد که قلب من خون را پمپاژ کند. تمام بدن من سر شده بود و من تمام تلاشم را برای زنده بودن می‌کردم. دقیقا در لحظه‌های آخر حتی یکی از بچه‌های صحنه که تا

هفته گذشته الناز شاکردوست که برای بازی در فیلم تابو به شمال کشور رفته است، دچار حادثه شد. شاکردوست که این روزها مشغول بازی در فیلم سینمایی «تابو» به کارگردانی خسرو معصومی است، در جریان ضبط سکانسی از این فیلم که قرار بود در آن صحنه غرق شدن شخصیت زن فیلم با نام بهار با بازی او ضبط شود، نزدیک بود در دریا غرق شود. شاکردوست که علاوه بر سینما تجربه بازی در مجموعه قلب یخی را نیز در کارنامه دارد، مجبور بوده تا میانه‌های دریا در حالی که شنا نمی‌کند پیش برود، اما موجی بلند باعث می‌شود او زیر آب برود. این بازیگر درباره این حادثه گفته است: من در این سکانس باید تا آنجا که از دید دوربین مخفی می‌ماندم، پیش می‌رفتم؛ اما هیچ‌کدام نمی‌دانستیم کشتی‌ای که باید تا آن پیشروی می‌کردم به گل



# صف‌های سینما؛ بار دیگر مدیون تلویزیون

سارا بهشتی

هفته‌ای که گذشت، فروش جالب توجه و البته قابل پیش‌بینی نسخه سینمایی فیلم «معراجی‌ها» در سینماهای کشور، بار دیگر سینمای ایران را در فصل مرده سال، مدیون تلویزیون کرد. این فیلم که محصول شبکه یک سیماست و سریال تلویزیونی آن نیز قرار است سال ۹۳ روی آنتن برود، تا پایان تعطیلات نوروز نیز بر پرده سینماها می‌ماند.

تا اینجا کار معراجی‌ها نه تنها توانسته یک سینمای ورشکسته و تطیل شده (سینما قدس) را احیا کند، بلکه رضایت بسیاری از سینماداران را نیز به همراه داشته است. پیش از این نیز فیلم‌هایی همچون «کلاه قرمزی و پسرخاله»، «کلاه قرمزی و سروناز» و «کلاه قرمزی و بچه ننه» - که خاستگاه تلویزیونی داشتند - در مقاطع مختلف تاریخی طی دو دهه اخیر توانسته بودند رکوردهای اکران سینمای ایران را جابه‌جا کنند و این بار معراجی‌ها که تولید تلویزیون است به شکلی دیگر این اتفاق را تکرار کرده است. برای سال ۹۳ هم می‌توان از هم‌اکنون موفقیت «شهرموش‌ها ۲» ساخته مرضیه برومند را (که این فیلم هم نسخه جدید سینمایی سریال موفق تلویزیونی «مدرسه موش‌ها» به شمار می‌رود) متصور بود تا بار دیگر توانایی بالای تلویزیون برای کمک به اکران سینماها به اثبات برسد.

## پیشکسوتان هزارستان در قاب ماندگار

یکی از اتفاقات مهم هفته گذشته، تجلیل از بازیگران سریال «هزارستان» به یاد سازنده فقید آن زنده‌یاد علی حاتمی بود. در این مراسم که با عنوان پنج استاد برگزار شد و هدفگذاری و اجرای خوبی داشت، عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، جمشید مشایخی، داوود رشیدی و محمدعلی کشاورز مورد تجلیل قرار گرفتند و سه نفر از آنان با حضور در سینما فرهنگ سخنانی را درباره هزارستان و علی حاتمی به زبان راندند. این مراسم که از سوی بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد، نشان داد توان سینمای فاخر ایران با هنرمندان معتبر و قدیمی‌اش بیش از آن چیزی است که در جشنواره سی و دوم فیلم فجر به اثبات رسید؛ توانی که در تولید یک مجموعه ماندگار تلویزیونی توانست به سرفصل تولید سریال‌های



اکبر خدیو در نقشی از «معراجی‌ها»

خود را از مردم گرفته‌اند.

تاریخی تبدیل شود و در سینما هم تاثیرات خود را به اشکال گوناگون بگذارد.

## سه ستاره‌ها

شنبه هفته گذشته پخش برنامه «سه ستاره» به تهیه‌کنندگی احسان علیخانی آغاز شد. برنامه‌ای که به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس شبکه سه سیما به مدت هفت شب روی آنتن این شبکه می‌رود و در آن عملکرد بیست ساله شبکه سه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و با بررسی و دعوت از مجریان غیرورزشی، مجریان ورزشی و سازندگان برنامه‌های تلویزیونی و در ادامه براساس نظرات کارشناسان و پیامک‌های مردمی در ویژه‌نامه سال تحویل، برنده‌های نهایی اعلام خواهد شد. اقدام علیخانی در تقدیر از همکارانش در این برنامه با اجرایی جذاب و حرفه‌ای در روزهای هفته گذشته با استقبال و حمایت جالب توجه مردمی روبه‌رو شد و یک‌بار دیگر بر جایگاه مردمی این شبکه صحنه گذاشت. آنچه مسلم است شبکه سه سیما در تاریخ بیست ساله خود، به‌عنوان یکی از شبکه‌های پر مخاطب مطرح بوده و برنامه‌سازان و فعالان این شبکه همواره ستاره‌های

## امیدواری برای حال خوب

گرچه همیشه اختلاف‌نظرهایی در این زمینه که آیا باید همه سریال‌های تلویزیونی یا فیلم‌های سینمایی در ایام نوروز دارای مضمون طنزآمیز باشند یا نه وجود داشته، اما امسال، جدول پخش برنامه‌های تلویزیونی از سریال‌های طنز تشکیل شده و به نظر می‌رسد سریال‌های پایتخت ۳، خوب، بد، زشت، روزهای بد، خانه پریشان، یادداشت‌های یک زن خانه‌دار و ما فرشته نیستیم، رقابت سختی برای دستیابی به مخاطب بیشتر در این میان به وجود آید. البته به این سریال‌ها باید سری جدید نوروزی «کلاه قرمزی» را هم اضافه کرد که در سال‌های اخیر، گاه بیشتر از دیگر سریال‌های داستانی طنز در جذب مخاطب موفق بوده است. معاون سیما بتازگی اظهار امیدواری کرده است حال مردم از دیدن سریال‌های نوروز ۹۳ خوب شود و به نظر می‌رسد با توجه به مضمون و قصه منتشر شده از سریال‌های امسال، بتوان منتظر کارهای جذاب و باکیفیتی از سازندگان این سریال‌ها بود.

## وقتی تلویزیون به خاطره‌ها جان می‌بخشد

احمد رضا علیزاده

تلویزیون در عین حال که رسانه‌ای رو به جلو و برای آینده است، همواره می‌تواند با زنده کردن گذشته، مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند و بر ذهن و روح آنها اثر بگذارد و این گذشته‌گرایی جذاب و سازنده می‌تواند در انواع و اقسام برنامه‌ها نمایان شود؛ از بازپخش فیلم و سریال و برنامه‌های نمایشی و غیرنمایشی گرفته تا برنامه‌های مستند اجتماعی، جنگی، سیاسی و... در سال‌های اخیر دیده‌ایم برنامه‌های مناسبتی درباره تاریخ انقلاب که با دقت بر آرشیو سازمان از سال‌های پیروزی انقلاب گردآوری شده‌اند، تا چه حد برای مخاطبان رسانه ملی و بویژه نسلی که آن دوران را از نزدیک ندیده‌اند، جذاب بوده و بر آنها تاثیر گذاشته است یا مستندهایی که از دوران دفاع مقدس بر جای مانده و به مناسبت‌های مختلف از سیما پخش می‌شود، اما این بازگشت به گذشته شیرین در تلویزیون به اینها ختم نمی‌شود.

گاهی محوریت نوستالژیک یک برنامه، این رویکرد را نزد مخاطب تشدید می‌کند و قرار است دست مخاطب را از دنیای امروز بگیرد و به گذشته ببرد. اینجا نقش مجری یا گفت‌وگوکننده و گفت‌وگو شونده نیز در یک برنامه ترکیبی تلویزیونی باید مورد اهمیت واقع شود.

به‌عنوان مثال می‌توان به دو برنامه نمونه در این زمینه - که اتفاقا هر دو از تولیدات موفق سال ۹۲ تلویزیون هستند - اشاره کرد. برنامه «یادگاری» به کارگردانی مسعود شاه‌محمدی که امسال با اجرا و کارشناسی مسعود فروتن روی آنتن شبکه سه سیما رفت، یکی از برنامه‌هایی است که از تولیدات تلویزیون در دهه‌های گذشته برای پررنگ‌سازی شاخصه‌های فرهنگی و رفتاری گذشته برای نسل آینده استفاده کرده و توفیق خوبی هم داشته است. نمونه دیگر این سبک برنامه‌سازی هم برنامه زنده شبکه ورزش سیما یعنی «روزی روزگاری» به تهیه‌کنندگی ابراهیم داروغه‌زاده و اجرای منصور ضابطیان است که با دعوت از ورزشکاران پیشکسوت خاطرات تلخ و شیرین ورزشی را با روش‌های خلاقانه و غیر کلیشه‌ای (از اجرا و متن گرفته تا طراحی مسابقه پیامکی و انتخاب تصاویر آرشیوی منحصربه‌فرد) مرور می‌کند.

مرور تاریخ معاصر در ویژه‌نامه‌هایی که خسرو معتضد در تلویزیون آنها را اجرا کرده و می‌کند (برنامه‌هایی مانند قرن پرماجرا و پلی به گذشته) از روش‌های دیگر برنامه‌سازی درباره گذشته است که با تسلط مجری بر تاریخ و توانایی‌اش در روایت تاریخ همیشه جذابیت‌های خود را داشته است. پخش مستندهای روایت فتح در مقاطع و مناسبت‌های مختلف و بویژه تولید مستندهای بازسازی شده مانند مجموعه درخشان «آخرین روزهای زمستان» ساخته محمدحسین مهدویان و به تهیه‌کنندگی حبیب‌الله والی‌نژاد نیز از جمله کارهای نمونه‌ای در این زمینه است که گویا قرار است براساس سبک و سیاق آن، کارهای دیگری هم توسط مهدویان و دیگران ساخته شود.

مخاطبان کودک و نوجوان امروز نیز با برنامه‌های مختلف تلویزیونی به گذشته وصل شده‌اند که البته با توجه به شاخصه‌های رفتاری کودکان و نوجوانان نسل‌های گذشته جای بیشتری برای برنامه‌سازی در این زمینه وجود دارد و می‌تواند بیش از بازپخش برنامه‌ها و کارتون‌های قدیمی (که پخش آنها برای کودکان دیروز جذابیت بیشتری دارد) برای نسل جدید و نسل آینده کار کرد و برنامه ساخت. تلویزیون پلی است که گذشته را به آینده متصل می‌کند و باید پدرستی از آن استفاده کرد.

## مردم در قاب

## مردم در این قاب می‌گنجند

رکسانا قهقرایی

چند وقت پیش به این فکر می‌کردم که تلویزیون چقدر در جهت دادن به رفتار مردم تاثیرگذار است؟ مهم‌ترین سطحی که یک عامل بیرونی می‌تواند آن را دستخوش تغییر کند یا اساسا به شکل‌گیری یک رویداد جدید منجر شود، باورها و ارزش‌های هر فرد است که در درجه بعدی به رفتار او شکل می‌دهد یا آن را با تغییر مواجه می‌کند.

وقتی این تغییر در سطح باور و اندیشه‌های یک فرد رخ بدهد، دیگر رفتارهای او هم برخاسته از آن خواهد بود و برای رفتارهای خود به مرجوعات ذهنی‌اش استناد می‌کند.

در خیابان قدم می‌زنم. روزهای پایانی اسفندماه است و زمین خود را برای تحولی دیگر آماده می‌کند. نزدیک بهار ۹۳ است و من این تغییر را در دل شهر حس می‌کنم. رفت و آمدها بیشتر شده است. بازارها و مراکز خرید پرتعدادترین نقاط شهری است. ساعات بعدازظهر این روزها بیش از روزهای دیگر سال ترافیک‌ساز است. مردم شور و هیجان خاصی دارند و در خیابان‌های تجاری شهر در دست هر کس دست‌کم یک کیسه رنگی پر از کالا است.

چهره شهر تغییر کرده است، اما این مقدمه در کدام نقطه با تلویزیون پیوند می‌خورد؟ این تغییرات هم‌زمان

با مردم در شکل و شمایل برنامه‌های تلویزیونی هم نمود یافته است. واژه هم‌زمان اصطلاح بهتری برای این همپایی است؛ چراکه نمی‌توان تغییرات اجتماعی را علت تغییر عملکرد رسانه دانست یا برعکس رسانه را عاملی برای تغییر فضای شهری و اجتماعی این روزها. بنابراین هریک از این دو عامل به شکلی در تغییر رویکردها و کنش‌های یکدیگر موثرند و به آن دامن می‌زنند. تلویزیون با پخش گزارش‌هایی از سطح شهر



همه این اتفاق‌ها باعث می‌شود محمد کوچولوی چهار ساله وقتی دست در دست پدرش برای خرید ماهی قرمز به سر خیابان‌نشان می‌رود، به تور کوچک ماهیگیری مرد خیره شود. بعد از آن نگاهی به تشستک پر از آب و ماهی شناور در آن می‌اندازد. انگشت اشاره به سمت آن یکی ماهی قرمز و سفیدی که کنج تشستک، آبش‌هایش را پر و خالی می‌کند، نشانه می‌رود و می‌گوید: این را می‌خواهم. و با سادگی و صداقت کودکانه‌اش ادامه می‌دهد: وقتی در تنگ بیفتد زیباتر هم خواهد شد. شبیه همانی که دیروز، تلویزیون نشان داد.



## محصول مشترک با بهترین نتیجه فرهنگی

حسام آبنوس

«سهم گمشده» از جمله فیلم‌هایی است که امسال روی آنتن شبکه سحر رفته و با توجه به ویژگی‌های مضمونی مورد استقبال مخاطبان این شبکه واقع شده است. استفاده از مولفه‌ها و ابزارهای بیانی سینمای دینی در این فیلم بخوبی بیانگر این واقعیت است که کارگردان در راس گروه تولید فیلم با برخورداری از اندیشه و دغدغه دینی، در پی ارائه مفاهیم و مضامین عقیدتی در اثرش بوده است. سهم گمشده از یک ضرباهنگ ملایم برخوردار است و تصویر یک خانواده آرام و شاد را به نمایش می‌گذارد. تصویری که با صدای ضربان قلب نوزاد طرلان و صنم ثبت می‌شود، آغازگر فیلم است. طرلان و صنم در آستانه برآورده شدن بزرگ‌ترین آرزوی زندگی هستند. همه چیز خوب پیش می‌رود تا آنجا که نوزادشان با نارسایی تنفسی به دنیا می‌آید. پدر و مادری که پس از شش سال صاحب فرزند شده‌اند اکنون با این مشکل روبه‌رو شده‌اند و با فرزندی که از یک نارسایی مادرزادی رنج می‌برد، روبه‌رو هستند و این فضا را برای انتقال دغدغه‌های معنوی سازنده اثر به مخاطب فراهم کرده است. نجفی در سهم گمشده بخوبی از نورپردازی و موسیقی برای دستیابی به فضای مورد نظرش بهره برده است. خروج از داخل تونل و وارد شدن به یک فضای نورانی می‌تواند به مخاطب حس خوبی القا کند که روزهای



سیاه شخصیت‌های محوری داستان رو به اتمام است و بزودی شاهد روزهای روشن آنها خواهیم بود. جایی که دوربین به طور ناگهانی وارد شدن نوزاد به صحنه تعزیه، (در یک محفظه شیشه‌ای) را نمایش می‌دهد، دقیقاً به یک تحول اشاره دارد. رفت و برگشت‌های دوربین از نوزاد به چهره مادر و پدری که در حال گریه کردن هستند و ناگهان صدای گریه بچه که حاکی از شفا گرفتن نوزاد است، پایان این فیلم سینمایی است.

سهم گمشده به زبان آذری و به سفارش شبکه جهانی سحر و با مشارکت حوزه هنری به‌عنوان محصول مشترک جمهوری آذربایجان و ایران تولید شده و در ساخت آن از بازیگران معروف و بومی سینمای آن کشور استفاده شده است. فیلمی که به واسطه مضمون عمیقش با استقبال بالای مخاطبان آن کشور نیز روبه‌رو شده است. این فیلم با هدف نزدیکی فرهنگ دو کشور همسایه، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، تولید شده و بخوبی توانسته نمایانگر فطرت پاک و دست‌نخورده مردم مسلمان آذربایجان باشد. ملتی که چند سال تحت سلطه رژیم کمونیستی شوروی سابق و اکنون نیز تحت سیطره نظام سکولار آذربایجان به سر می‌برند، ولی با این حال دست از اعتقادات صحیح و خدشه‌ناپذیرشان برنداشته‌اند. یکی دیگر از نکاتی که در این اثر به آن توجه شده اشتراک زبانی جمع کثیری از ایرانیان با مردم جمهوری آذربایجان است. زبان آذری در میان هر دو کشور می‌تواند نقطه پیوندی باشد تا یک اثر هنری خلق و فرهنگ دو کشور را به یکدیگر نزدیک کند.

## توسعه، نیاز امروز دنیای رسانه

علیرضا اسحاقی

توسعه، نیاز امروز دنیای رسانه است. افزایش شبکه‌ها و تخصصی شدن آنها نکته مثبتی است که مدیران تلویزیون در سال‌های اخیر به آن توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند و در واقع این نیازی بوده که مثل همه کشورهای دیگر در عرصه تلویزیون احساس شده است. پیشرفت‌هایی که تلویزیون در این مدت داشته قابل توجه بوده و اگر برنامه‌سازان شبکه‌های مختلف بتوانند از لحاظ کیفیت و حمایت از برنامه‌سازی هم خوب عمل کنند، توسعه در تلویزیون در شرایط بسیار مطلوبی قرار خواهد گرفت.



در این زمینه باید توجه داشت افزایش تعداد شبکه‌ها مستلزم توجه به کیفیت برنامه‌هاست، اما توسعه کمی را نباید در کلیت نفی کرد و این فکر غلط است که شبکه‌های جدید ایجاد نشود، چون این کار لازمه توسعه تلویزیون است. برای ساختن یک ساختمان ابتدا باید اسکلت آن را ساخت، برای پیشرفت تلویزیون هم باید اسکلت آن را - که شبکه‌های مختلف است - بسازیم. مساله مهم بعدی امکانات است. این شبکه‌ها ابتدا امکانات و برنامه‌های کمی دارند که این هم طبیعی است. در خارج از کشور هم وقتی شروع به تخصصی‌سازی شبکه‌ها کردند، همین اتفاق افتاد. یعنی برنامه‌های زیادی نداشتند که به مخاطب ارائه کنند، بلکه بتدریج توانستند

برنامه‌های تخصصی بسازند و در تولید این برنامه‌ها تجربه کسب کنند. ساختن برنامه در حوزه‌های تخصصی بسیار مشکل است. مثلاً تولید یک برنامه تخصصی در حوزه بهداشت و سلامت دشواری‌های خاص خود را دارد و خیلی مشکل‌تر از برنامه‌سازی برای شبکه‌های عمومی است. نکته اینجاست که برنامه‌سازی تخصصی بتدریج رشد می‌کند و سازندگان این‌گونه برنامه‌ها با کسب تجارب لازم یاد می‌گیرند چگونه از امکاناتی که در اختیارشان قرار گرفته است برای ساخت برنامه‌های بهتر استفاده کنند. به مرور، این امکان برای برنامه‌ریزان تلویزیون ایجاد می‌شود که از همین طریق، کارگردان‌های بهتر و تهیه‌کنندگان ماهرتری تربیت کنند که با اصول برنامه‌سازی تخصصی آشنا هستند.

به‌عنوان نمونه، شبکه تلویزیونی سلامت حدود یک سال و نیم است که راه‌اندازی شده است، اما اگر دقت کنیم متوجه می‌شویم برنامه‌های آن به مرور زمان بهتر شده‌است. همین شبکه امکاناتی در اختیار دارد که در گذشته این امکانات برایش وجود نداشت. ادامه این روند سبب می‌شود شبکه‌ها به مرور زمان رشد کنند. در این میان، تعداد مخاطب چندان مهم نیست، بلکه مهم این است که رسانه بتواند توجه مخاطبی را که به آن برنامه تخصصی نیاز دارد، به خود جلب کند و این قضیه هم طبیعی است.

## نقاط مثبت یک روایت ماورائی

رضوان اناری



سریال‌های ایرانی با مضامین ماورائی همیشه میان مخاطبان تلویزیون طرفدار داشته است. سریال «سقوط یک فرشته» که برای اولین بار رمضان ۹۰ روی آنتن رفت، از نمونه‌های موفق این‌گونه کارهاست که ارتباط خوبی با مردم برقرار کرد و در هفته‌های اخیر از شبکه آی‌فیلم بازپخش آن آغاز شده است. از نکات قابل توجه در این سریال، پرداختن به خصلت‌های ضدانسانی یک شیطان مجسم شده و تصویرسازی آن بود. هرچند پیش از این هم کارگردان‌هایی مثل سیروس مقدم در سریال‌هایی مثل اغما، وجود شیطان را مجسم کرده بودند، اما سازندگان سقوط یک فرشته با یک نوآوری، روایت داستان سریال را براساس این کاراکتر پیش بردند. شیطان در سقوط یک فرشته از همان ابتدا وارد داستان می‌شود و روایت را به شیوه‌ای نو و غافلگیرکننده پیش می‌برد، هرچند مخاطب ابتدا با ورود شیطان به داستان، کمی غافلگیر می‌شود و نمی‌تواند تشخیص دهد روایت را از زبان کدام شخصیت داستان می‌بیند.

در ادامه نیز با جلوتر رفتن، بتدریج مشخص می‌شود راوی داستان، همان شیطان مجسم شده است و این کنج‌کاوی تماشاگر را برمی‌انگیزد. استفاده از صدای دوبلور برای این نقش هم تمهیدی موثر است. هرچند محمدرضا علیمردانی که نقش شیطان را صداییشگی کرده، دوبلور شناخته شده‌ای است و صدایشگی شخصیت‌هایی چون شرک، غول سبزی، سالیوان در انیمیشن شرکت هیولاها و دیه‌گو - شخصیت ببر در عصر یخبندان - را به عهده داشته، اما از آنجا که همه مخاطبان تلویزیونی با چهره او آشنا نیستند، بدون این که یاد یک صدا یا شخصیت دیگر در فیلم یا سریال دیگری بیفتند، این شیطان هولناک را باور می‌کنند و بیشتر برای دیدن سرانجام ماجرا ترغیب می‌شوند.

البته فضای کلی داستان، انتخاب لوکیشن‌ها، بازیگران و فیلمنامه هم کمک بسیاری کرده تا این کاراکتر در این سریال تلویزیونی به چشم بیاید و به یکی از نقش‌های محوری داستانی که در واقع خصلت‌های شیطانی افراد یک جامعه را تحلیل و نقد می‌کند، بدل شود.

با این حال، مجموعه سقوط یک فرشته هم با وجود فشردگی در تولید با ایرادها و اشکالاتی مواجه است که در صورت اختصاص زمان کافی برای تولید، شمار زیادی از آنها برطرف می‌شد. ردپای شتابزدگی در این سریال مشهود است و حالا که تب و تاب رمضان خوابیده و ساخت مناسبتی این سریال تمام شده، با دقت بیشتری می‌توان این شتابزدگی در تولید را مشاهده کرد. سازندگان سقوط یک فرشته در تولید آن سعی کردند کار خود را با بیشترین دقت و وسواس با توجه به زمان ممکن انجام دهند. اما باید بپذیریم ساخت این دست سریال‌ها، به وقت کافی نیاز دارد تا گروه سازنده بتواند با حداکثر توان خود، بالاترین کیفیت را خلق کند. در بازپخش سریال سقوط یک فرشته باید بار دیگر به این نکته تأکید کرد که داستان‌های ماورائی از جمله تم‌های مورد علاقه مخاطبان ایرانی است و این سریال هم از این بابت نقاط مثبت فراوانی دارد که باعث می‌شود مخاطبان آی‌فیلم آن را برای تماشا انتخاب کنند.

## کلاه قرمزی؛ عیدی تلویزیون

میثم اعلایی



«کلاه قرمزی» همچنان به مردم وفادار است و برای جلب نظر مخاطبانش با سری برنامه ویژه نوروز ۹۳ بار دیگر روی آنتن می‌رود. این خبری بود که سرانجام پس از کش و قوس‌های رسانه‌ای و اخباری که درباره احتمال ساخته نشدن سری نوروزی این برنامه در سایت‌ها و جراید انتشار یافت، اعلام شد. گروه سازنده این برنامه بر این عقیده‌اند که کلاه قرمزی فرزند تلویزیون است و محبوبیت مردمی این عروسک پارچه‌ای بعد از حدود ۲۲ سال، به حدی رسیده که نمی‌توانند درباره تولید شدن یا نشدن آن در ایام نوروز به تنهایی تصمیم بگیرند و با وجود همه مشکلات هر ساله تلاش کرده‌اند سری نوروزی این برنامه تلویزیونی قدیمی را به پخش برسانند.

شاید تصور برخی‌ها بر این باشد که کار در فضای برنامه عروسکی به مراتب ساده‌تر از دیگر زمینه‌های برنامه‌سازی است؛ اما تمرین‌های مکرر، دورخوانی و همه ویژگی‌های تولید مجموعه‌های چون کلاه قرمزی زبانه‌ها همه کارشناسان است. در واقع با این که چنین مجموعه‌ای بالقوه مخاطب خودش را دارد، اما این قضیه هیچ‌گاه سبب نشده سازندگان کلاه قرمزی، باری به هر جهت و سهل‌انگارانه عمل کنند.

باید توجه داشت یکی از عواملی که سبب می‌شود سری کارهای کلاه قرمزی با وجود تولید دیرهنگام، براحتی روی آنتن برود و با مردم ارتباط برقرار کند، اعتماد تلویزیون به زوج هنری حمید جلیلی و ایرج طهماسب است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در تلویزیون برنامه‌سازی کرده‌اند؛ زوجی که کارنامه‌شان نشان می‌دهد هیچ‌گاه برای کارهایشان کوتاهی نکردند و برای این کار و مخاطبان گسترده خود همواره ارزش و احترام قائل بوده‌اند. در واقع عیار کیفی کارهای این دو برنامه‌ساز و هنرمند تلویزیونی سبب می‌شود در محدودترین زمان، بهترین و تأثیرگذارترین کارها را (با خلاقیت در خلق کاراکترهای جدید، روزآمدی در پرداختن به مسائل اخلاقی آموزشی، دقت در ریزترین جزئیات رفتاری و...) از آنها ببینیم و این یکی از شاخصه‌هایی است که عملکرد سازندگان کلاه قرمزی را از دیگر برنامه‌سازان برنامه‌های مناسبی جدا می‌کند. امسال هم مردم در کنار دیگر برنامه‌های ویژه شبکه‌های مختلف تلویزیونی برای ایام نوروز ۹۳، در انتظار سری جدید برنامه نوروزی کلاه قرمزی هستند تا شیرین‌کاری‌های این عروسک محبوب و دوست‌داشتنی را نظاره کنند.



با قطب الدین صادقی، کارگردان و بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون

# نقشم را در «معمای شاه» دوست دارم

آزاده صالحی



قطب الدین صادقی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون است. او دارای مدرک دکتری در رشته ادبیات نمایشی است و تاکنون نمایش‌های زیادی به کارگردانی و نویسندگی او روی صحنه تئاتر رفته است. گزارش یک قتل، پروانه، زمان شوریدگی، کیف انگلیسی، فوق سری، شب چراغ، زمین انسان‌ها و... برخی سریال‌هایی است که او تاکنون در آنها حضور یافته است. صادقی این روزها مشغول بازی در سریال تاریخی «معمای شاه» به کارگردانی محمدرضا ورزی است. با او به این بهانه به گفت‌وگو نشستیم.

شما طی ماه‌های اخیر در سریال تاریخی معمای شاه حضور یافته‌اید. اگر ممکن است درباره تجربه‌تان از حضور در این سریال بگویید.

من در معمای شاه نقش شاپور ریپورتر، پسر اردشیر ریپورتر را بازی می‌کنم که در نوع خود می‌توان گفت یکی از بهترین نقش‌هایی است که در این سریال وجود دارد. ریپورترها از پارس‌یان هند و از اولین اقلیت‌هایی بوده‌اند که به خدمت امپراتوری انگلستان درآمدند. برخی از آنها بتدریج در دوران رژیم گذشته وارد سیستم حکومت شدند و پشت پرده به اداره اوضاع می‌پرداختند. شاپور ریپورتر بظاهر معلم سرخانه ثریا، همسر شاه سابق است ولی در باطن چرخاننده اصلی و پیش برنده مسالسی است که در دربار اتفاق می‌افتد. به هر حال، این نقش برای من حائز اهمیت و دارای جذابیت‌های زیادی است. شاید به این دلیل که شخصیتی که من نقش آن را بازی کرده‌ام، گرچه بظاهر آراسته و آرام است ولی چند بعدی است که شناخت آن در نگاه اول میسر نیست. البته هنگام بازی در این نقش سعی کردم ظرایفی که از رهگذر تجربه در عرصه بازیگری در این سال‌ها به دست آورده‌ام، نیز پیاده کنم تا بتواند نزد عامه مردم، نقشی باورپذیر جلوه کند.

شما به عنوان یک بازیگر چقدر سعی کردید پیش از بازی در این نقش آن را بشناسید؟

درباره این شخصیت پیش از آن که کار را شروع کنم، کتاب‌های تاریخی زیادی خواندم که به فعالیت‌های او و پدرش در پشت پرده دربار اختصاص

میان از سریال‌های تاریخی انتظار کیفیت بیشتری داشت. البته سریالی مانند معمای شاه توانسته از این منظر راضی‌کننده باشد و امیدوارم وقتی ساخت آن تمام شد، مردم هم چنین نظری داشته باشند، زیرا حضور محمدرضا ورزی به عنوان کارگردانی که به ساخت آثاری در این ژانر مسلط است، توانسته انسجام و قوت بیشتری به کار بدهد. از اینها گذشته، فیلمنامه از محتوای خوبی برخوردار است و یکی از دلایلی که باعث شد این کار را قبول کنم در درجه نخست، کیفیت فیلمنامه بود که مرا به سمت خود جذب کرد.

آمار نشان داده است مخاطبان بیشتر از هر کتابی به مطالعه کتاب‌های تاریخی علاقه‌مندند. با این اوصاف، مخاطبان سریال‌های تاریخی را در تلویزیون چطور ارزیابی می‌کنید؟

اگر بخواهم به طور مشخص درباره سریال معمای شاه صحبت کنم باید بگویم، این سریال به دلیل مولفه‌هایی که در لابه‌لای گفت‌وگو به آن اشاره کردم، می‌تواند مخاطب را جذب کند. این سریال، تصاویر زیبایی ارائه و شخصیت‌های تاریخ‌سازی را به مردم معرفی می‌کند که شاید پیشتر تا قبل از ساخت این سریال، کمتر معرفی شده یا مردم اطلاعات اندکی از آنها داشته‌اند. بنابراین یکی از محاسن سریال این است که مردم صرف‌نظر از آشنایی بیشتر با وقایع یک برهه تاریخی، می‌توانند با شخصیت‌هایی که در آن زمان حضور داشته و برای پیشبرد اهداف سیاسی دست به کارهای مختلف زده‌اند نیز آشنا شوند.

یکی از سریال‌هایی که شما در سال‌های اخیر در آن حضور یافتید پروانه به کارگردانی جلیل سامان بود. به نظر شما دلیل استقبال مخاطبان از این سریال چه بود؟

اصلی‌ترین دلیلش این بود که شالوده این سریال را ملودرامی انسانی تشکیل داده بود. سریالی بود که کارگردان، حوادث اجتماعی را با چالش‌های عاطفی درآمیخته و از این رهگذر، قصه‌ای لطیف و زیبا ارائه کرده بود. به نظرم آمیختگی مسائل اجتماعی با مساله عاشقانه باعث جذابیت بیشتر این اثر شده بود، چون اگر قرار بود سریال به روایتی صرف از مسائل اجتماعی و سیاسی بپردازد، خشک و بی‌روح می‌شد و شاید به اندازه کافی نزد مخاطبان موفق نمی‌شد.

داشت که مطالعه این کتاب‌ها توانست در شکل‌گیری نقش من تاثیر بسزایی داشته باشد تا بتوانم برای بازی در این نقش، آگاهی‌های لازم را به دست بیاورم. ضمن این که شاپور ریپورتر هم‌اکنون ۹۴ سال دارد و در حومه لندن زندگی می‌کند. به هر حال نقشی که در سریال معمای شاه بازی کردم را خیلی دوست دارم و به طور کلی احساس می‌کنم نقشی است که می‌تواند در نوع خود، مخاطب را جلب کند. همان‌طور که گفتم این شخصیت در درجه اول تمام آنچه را دارد، عیان نمی‌کند و حتی گاهی در میانه سریال، مخاطب را به کمک بروز دیگر زوایای شخصیتی خود غافلگیر هم می‌کند.

به‌عنوان یک بازیگر، وضع سریال‌های تاریخی را چطور می‌بینید؟ نمی‌توان هیچ‌گاه از یک سریال تاریخی انتظار داشت به تبیین تمام زوایایی که وجود داشته بپردازد. شاید به این دلیل که این وادی به داستان و روایت آمیخته است و از روایتگری صرف دور شده است. به نظرم وظیفه کسانی که سریال‌های تاریخی می‌سازند هم این نیست که تمام زوایای یک برهه تاریخی را به مخاطب نشان دهند. بلکه این رنگ و لعاب داستان است که می‌تواند جذابیت این نوع آثار را مضاعف کند. نه تنها در کشور ما، بلکه در دیگر کشورها نیز همین‌طور است، یعنی کارگردانان برای ساخت سریال‌های تاریخی به روایت صرف بسنده نمی‌کنند. اگرچه می‌توان در این

<p><b>GALAXY S4</b> اندروید ۴ تاج حرارتی دارای wifi سایه نمونه اصلی سایورت رم تومان ۲۸۵۰۰۰</p>	<p><b>HTC one</b> اندروید ۴ تاج حرارتی دارای wifi سایورت رم کاملاً مشابه نمونه اصلی تومان ۳۲۵۰۰۰</p>	<p><b>iphone 5S</b> Gold اندروید ۴ صفحه ۴ اینچ تاج حرارتی دارای wifi مشابه نمونه اصلی تومان ۳۲۰۰۰۰</p>	<p><b>GALAXY Note3</b> اندروید ۴ تاج حرارتی دارای wifi مشابه نمونه اصلی سایورت رم تومان ۲۹۵۰۰۰</p>	<p><b>GALAXY S3 Mini</b> اندروید ۴ تاج حرارتی دارای wifi سایورت رم مشابه نمونه اصلی تومان ۲۲۵۰۰۰</p>
<p><b>iphone 4</b> دو سیم کارت سایورت رم صفحه تمام لمسی تومان ۱۱۵۰۰۰</p>	<p><b>iphone 4s</b> تک سیم کارت تمام لمسی تاج حرارتی دارای wifi تومان ۱۷۹۰۰۰</p>	<p><b>iphone 5</b> تک سیم کارت تمام لمسی مشابه نمونه اصلی تومان ۱۴۹۰۰۰</p>	<p><b>GALAXY pop</b> دو سیم کارت سایورت رم تمام لمسی تومان ۱۳۵۰۰۰</p>	<p><b>GALAXY s4</b> تمام لمسی سیستم عامل java سایورت رم مشابه نمونه اصلی تومان ۱۶۹۰۰۰</p>
<p><b>فروش فوق العاده انواع گوشیهای طرح اصلی</b> <b>به مناسبت عید نوروز</b> <b>فروشگاه موبایل نمین</b> با خرید هر گوشی یک عدد رم ریدر و یک کیف جا کارتی از ما دریافت کنید</p> <p>تلفن سفارش کالا: ۰۲۱-۲۲۸۹۹۱۶۴ ۰۹۱۹۷۳۱۹۸۵۱ ۰۲۱-۲۲۸۹۲۴۵۶ ۰۹۱۰۱۵۷۱۱۵۸</p> <p>همراه با خدمات پس از فروش</p>				
<p><b>tablet pierre cardin</b> صفحه نمایش ۷ اینچ سیستم عامل اندروید ۴ دارای wifi تاج حرارتی دوربین سیم کارت خور تومان ۳۲۵۰۰۰</p>				



همراه شدن  
با فراز و فرود داستان

رکسانا قهقرایی

انتظار بیننده یا تماشاگر پیش از شروع یک فیلم، پیش رفتن و اوج گرفتن داستان آن است. چنان که هر دقیقه و هر لحظه از فیلم حادثه‌های دیگر را نوید بدهد. وقتی داستانی پیش می‌رود، قابلیت‌های انسانی بیشتر و اراده قوی‌تری را می‌طلبد. تغییرات بزرگ‌تری را در زندگی شخصیت‌ها به وجود می‌آورد و آنها را در معرض خطرات بیشتر و عمیق‌تری قرار می‌دهد، اما نکته اساسی اینجاست که این پیشروی باید در شمایلی اثر هم بروز کند؛ برای این کار می‌توان چهار تکنیک مهم را در نظر گرفت، پیشروی اجتماعی، پیشروی فردی، صعود نمادین و صعود کنایی.

در مورد اول باید داستان را با فضایی صمیمی و کوچک آغاز کرد که صرفاً چند شخصیت اصلی را دربر می‌گیرد، اما پیش رفتن داستان فیلم و سرریال باید به گونه‌ای باشد که کنش‌های این شخصیت‌ها در دنیای پیرامونشان بسط یابد و زندگی افراد بیشتری را تحت تاثیر خود قرار دهد و به تغییر آن منجر شود. همچنین لازم است این روند کاملاً تدریجی باشد نه دفی و ناگهان.

بر اساس این اصل می‌توان گفت چطور صاحبان مشاغل مختلف پیش از حد در نقش قهرمان داستان‌ها ظاهر می‌شوند و نویسندگان تمایل دارند درباره شغل یا صنف خاصی قصه بنویسند؛ چرا که در این حالت می‌توانند مشکلات زندگی فردی یا شغلی آنان را به جامعه نیز تعمیم بدهند.

پیشروی فردی زمانی کاربرد دارد که نمی‌توان در عرض داستان حرکت کرد. در این حالت می‌توان داستان را با یک کشمکش فردی یا درونی که البته قابل حل هم به نظر می‌رسد، آغاز کرده و در ادامه داستان به رازها و ناگفته‌هایی در لایه‌های زیرین رویداد پی برد که مخاطب را به لحاظ عاطفی، روانی، فیزیکی و اخلاقی به بطن ماجرا سوق می‌دهد. در این رویکرد، کنش‌ها به اعماق روابط خصوصی و زندگی درونی شخصیت‌ها کشیده می‌شوند.

در صعود نمادین همان‌طور که از نام آن بر می‌آید نویسنده با استفاده از نمادها به جذابیت و گیرایی داستان کمک می‌کند. نمادها همچون تصاویری که در رویا می‌بینیم، به ناخودآگاه ما هجوم می‌آورند و ما را از درون تحت تاثیر قرار می‌دهند، به گونه‌ای که حتی از وجودشان هم با خبر نمی‌شویم. اگر به تصاویر برچسب نمادین بزنیم تاثیرشان از بین می‌رود، اما اگر آنها را بتدریج و بی‌آن که خود را به رخ بکشند، وارد داستان کنیم قصه‌ای تکان‌دهنده را رقم می‌زنند.

پیشروی نمادین با کنش‌ها، مکان‌ها و نقش‌هایی آغاز می‌شود که فقط خودشان را نشان می‌دهند، اما در ادامه داستان، تصاویری با معنای بیشتر ارائه می‌شود و در پایان به گونه‌ای از تصاویر می‌رسیم که تفکری عام و جهانشمول را در بر می‌گیرد.

کنایه نیز ظرفیت‌ترین جلوه و نمود لذت داستان است. کنایه در داستان بین کنش‌ها و نتایج بروز می‌کند. بین ظواهر و واقعیت یعنی جایی که منبع اصلی انرژی داستان یا به عبارتی منبع اصلی حقایق و عواطف نهفته است. کنایه در داستان باید حالتی غیرجدی و غیررسمی داشته باشد. با نوعی ناآگاهی از تاثیر آن و در عین حال اطمینان از این که تماشاگر به کنایه بودن قصه پی خواهد برد.



## مریم‌رها



نخل‌های سربلی



راز فانوس

با شروع نخستین روزهای اسفندماه، ۲۳ فیلم سینمایی و تلویزیونی خارجی و ایرانی از شبکه‌های صدا و سیما روی آنتن رفت که هر کدام حال و هوای خاص خود را داشت و موضوعات مختلف با سبک و سیاق متفاوت را دستمایه ساخت و تولید خود قرار داده بود.

سه فیلم «نخل‌های سربلی»، «قدم زدن در بهشت» و «راز فانوس» که به ترتیب در ژانرهای جنگی و دفاع مقدس، درام اجتماعی-خانوادگی و درام کودک و نوجوان تولید شده بودند، از فیلم‌هایی بودند که از شبکه‌های مختلف سیما پخش شدند.

فیلم تلویزیونی نخل‌های سربلی، داستان دفاع عرب‌های ساکن و مقیم ایران است که هنگام حمله عراق به ایران در نهایت ایثار، شجاعت و از خودگذشتگی جلوی عرب‌های عراقی را می‌گیرند و با جان و دل مقابل آنها جنگیده و شهید می‌شوند.

این فیلم تلویزیونی به کارگردانی شهرام باباپور و تهیه‌کنندگی مصطفی علمی‌راد، توسط مهرداد نیکانم به رشته تحریر درآمده است. جعفر دهقان، زهرا سعیدی، سولماز آقماقی، سیما خضری‌آبادی، رحمان برهانی و شهرام ابراهیمی، بازیگران این فیلم هستند.

در بیشتر نماهای نخل‌های سربلی، نخلستان یا به عنوان لوکیشن اصلی یا در پس‌زمینه به چشم می‌خورد که گرچه در فضا سازی کلی فیلم بسیار موثر است و میزانش بیشتر نماها بر اساس ترکیب درخت و انسان بسته شده است، اما چنین به نظر می‌رسد که قصد دارد با نمایش درخت و دود و گلوله، مهر تأییدی بر نام فیلم باشد و بر بار محتوایی آن بیفزاید. اما این فیلم مثل بسیاری از فیلم‌های تلویزیونی عنوان مناسبی ندارد و فقط ترکیب شاعرانه اسم و صفت است. این گونه نامگذاری فیلم یک اشتباه رفت و برگشتی ایجاد می‌کند که با اشاره مستقیمی است به آنچه در فیلم دیده خواهد شد یا بر اساس این عنوان فضای فیلم شکل خواهد گرفت. از طرفی اگر فرض کنیم که فیلمنامه مکان محور است و بر اساس یک لوکیشن خاص مثل نخلستانی در زمان جنگ نوشته شده است، میزانش‌هایی که در فیلم دیده می‌شود، برآمده از دل این موقعیت مکانی و زمانی نیست. از طرفی در شخصیت‌پردازی اثر دو گروه خوب و بد یا سیاه و سفید در تقابل با هم قرار گرفته‌اند. در صورتی که انسان مدرن نه سیاه است و نه سفید و در آثار ادبی و سینمایی معاصر قهرمان و ضد قهرمان هر دو در شرایط خوب و بد قرار می‌گیرند و دیگر قابل قضاوت نیستند. شخصیتی که بر احنی قضاوت شود، تک‌بعدی و کم خواهد بود و به همان اندازه از تاثیرگذاری آن کم خواهد شد. در فیلم‌هایی که در یکی دو دهه اخیر در مورد دفاع مقدس ساخته شده است، کمتر این نوع شخصیت‌پردازی یکسویه دیده می‌شود. نیروهای دشمن گرچه دست به کشتار می‌زنند، اما تحت تاثیر شرایط

## نگاهی به ۳ فیلم تلویزیونی که روی آنتن رفت

## روایت حرف‌ها و شخصیت‌های همیشگی



تله فیلم قدم زدن در بهشت

و اما از فانوس - که اقتباسی از یک داستان است - به کارگردانی محمد حسن‌زاده و تهیه‌کنندگی انوش جعفریان - که از شبکه دو و از برنامه سینما زندگی روی آنتن رفت - یکی از نمونه‌های شیرین و جذاب فیلم‌های کودک و نوجوان است که گرچه داستانی ساده دارد، اما با اتکا بر فرهنگ عامه و مصائب قشر ضعیف جامعه و دغدغه‌های ریز و درشت، اما صادقانه آنها شکل گرفته و سرشار از زندگی است.

راز فانوس داستان پسری نوجوان به اسم امیرعلی است؛ پدر سفالگری دارد که از کار بیچار شده و خانه‌نشین است. پدر بزرگش برای کمک به آنها فانوس عتیقه‌ای را که یادگار اجدادش است برای کمک به آنها گرو می‌گذارد تا مبلغی را در ازای آن قرض کرده و به آنها برساند. امیرعلی که از شرایط خانوادگی خود ناراضی است، تصمیم می‌گیرد شرایط را عوض کرده و همزمان با درس خواندن کار کند.

او نزد استاد ستایش، سفالگری می‌آموزد و با نوعی که در نقاشی دارد و با استفاده از طرح و نقش‌های باستانی سیلک می‌تواند رونقی به کسب و کارشان بدهد به طوری که حسادت رقیبان شغلی خود را برمی‌انگیزاند و در نهایت می‌تواند پول فانوس را به پدر بزرگ برگرداند تا فانوس را پس بگیرد.

داستان این فیلمنامه با اتکا بر اقتصاد مبتنی بر اصالت فرهنگی و هنری و ترویج آن و حفظ این پشتوانه‌های گرانبه‌تر هم در داستان اصلی و هم در داستانک‌ها انسجام یافته و در ساختار نیز از آن بهره برده است.

در این فیلم بازیگرانی چون اصغر محبی، سپیده خداوردی، علی سلیمانی، میرطاهر مظلومی، محمد حاج‌حسینی و مونا فرجاد ایفای نقش کرده‌اند که همگی بازی‌های پرجان و روانی دارند، اما در این میان سپیده خداوردی، اصغر محبی و علی سلیمانی شخصیت‌هایی منطبق بر شرایط زندگی سنتی راه، هم در تیپ‌سازی و هم در حس و حال نقش وارد کرده‌اند.

مهم‌ترین ویژگی راز فانوس لحن و ریتم است. فیلم از جایی آغاز می‌شود که پدر با دست و پای شکسته به خانه برمی‌گردد و فرزند را سراغ طلبش از صاحبکار می‌فرستد و این سرآغاز ایجاد حس مسئولیت و تعهد امیرعلی در قبال پدر از کار افتاده و مادر باردار خود است. داستان خطی روایت می‌شود تا آنجا که در پایان فیلم امیرعلی با اعتباری که به دست آورده، پدر را در شرایط بهتر کاری قرار می‌دهد.

این فیلم تلویزیونی که در انتقال پیام و توانان در سرگرم کردن مخاطب موفق عمل کرده، در یکی دو مورد ایراد را کوردی دارد. مثلاً پسر سفال‌ها را پشت تپه سیلک می‌فروشد و در نمایی دیده می‌شود که از هر طرف به کوه و تپه ختم می‌شود، در نمایی دیگر شخصیت شیخی از توی خیابان زاغ سیاه او را چوب می‌زند و صدای خیابان شنیده می‌شود، اما این ایرادهای کوچک در مقابل دیگر قابلیت‌های این فیلم خوش ساخت کمتر اهمیتی دارد.

اجباری جنگ در جامعه خود و تحت استعمار سیاست زمامدار وقت جامعه خود هستند، گرچه در این میان قطعاً برخی از آنها میل به خشونت هم دارند، اما نمی‌توان آن را به همه سربازان تعمیم داد.

فیلم تلویزیونی قدم زدن در بهشت - که از شبکه یک پخش شد - نیز یک ضد قهرمان به نام بهروز با بازی ناصر ممدوح دارد، اما این ضد قهرمان گرچه با وارد و پخش کردن لوازم پزشکی نامرغوب و غیراستاندارد با قیمت کمتر، هم به اقتصاد مملکت و هم به بیماران جامعه آسیب می‌رساند، اما وقتی در بطن خانواده قرار می‌گیرد، پدر مهربان و دلسوزی است که همه زندگی‌اش را بعد از مرگ همسرش وقف تنها دخترش رها کرده است.

دختری که قرار است به عقد پسر شریکش که در جنگ شیمیایی شده است و خانواده شرافتمند و با ایمانی هستند، درآید. پسر که وکیل است موقع پیگیری پرونده متهمی که یکی از قربانیان شرایط بد اقتصادی است، متوجه بیماری دختر متهم می‌شود و همه تلاش خود را بی‌دریغ صرف بهبود او می‌کند. این امر باز خورد بدی از طرف رها و پدرش دارد و در این گیر و دار دست پدر رها برای پسر رو می‌شود.

فیلمنامه که به صورت کلاسیک و روایت خطی از یک حادثه تا کشف و شهوهای تازه دارد، تقریباً بی‌نقص و محتاط است، گرچه معامی است، اما هیجان و جذابیت ندارد و در مخاطب حسی برای کشف ماجرا بر نمی‌انگیزاند. شاید دلیلش، آن است که مسعود بهیمانی‌نیا و نوشین خودسیانی نویسندگان فیلمنامه، چنان درگیر قواعد اولیه فیلمنامه‌نویسی بوده‌اند که کمتر از ذوق و جنون نویسندگی بهره برده‌اند.

قدم زدن در بهشت به تهیه‌کنندگی احمد شهرابی فراهانی و کارگردانی علی بهادر در ساخت نیز همین گونه است. همه چیز از جمله تدوین، تصویر، صدابرداری و... درست در جهت نمایش متن به همان سادگی و البته بی‌ادعایی کنار هم قرار گرفته‌اند تا با کمترین احتمال خطا، فیلمی قابل قبول و نه جذاب را به تصویر بکشند. ریتم فیلم متناسب با موقعیت شخصیت اصلی که امیرمحمد زند ایفاگر آن است، کند و تند و از نیمه دوم فیلم خطی و یکنواخت می‌شود.

در این فیلم تلویزیونی، بازی شاخصی که شگفتی ایجاد یا بیننده را با خود همراه کند، دیده نمی‌شود. از زهرا اویسی، علی طالب‌لو، عطا سلیمانان و محمدهادی قمشی چیزی بیشتر از بازی‌های همیشگی که عموماً ساده، روان و البته با قدرت پاسکاری دیالوگ و حس همراه است، دیده نمی‌شود و ناصر ممدوح گوینده و دوبلور خوب رادیو و تلویزیون باز هم بازی ضعیف دیگری از خود به نمایش گذاشته است که فارغ از هر نوع حرکت و ری‌اکشن بدن و صورت به‌عنوان ابزار بازیگر است. در مجموع، این فیلم در محتوا و فرم خلایق، خلاف عادت و حرف تازه‌ای برای گفتن یا چیز تازه‌ای برای دیدن ندارد.



گفت و گو با وحید نصیریان، کارگردان انیمیشن

قالب ویژه

# تلویزیون می تواند انیمیشن را به اوج برساند

جاده هموار پویایی

میشم اعلامی



مشاهی از انیمیشن قلب سیمرغ



مریم احمدی

برگزاری سومین جشنواره جام جم در بخش انیمیشن نشان داد آثار تلویزیونی هنرمندان ایرانی در زمینه پویانمایی دارای سطحی قابل قبول و گاه در کلاس جهانی هستند و برآیند آثار حاضر در این جشنواره نشان می دهد انیمیشن های تلویزیونی از نظر کیفی در شرایط مطلوبی به سر می برد.

نکته قابل تامل در این زمینه، تولید آثار بومی و ایرانی در تلویزیون است. حضور انیمیشن های ساخت ایران در جشنواره های داخلی مانند جشنواره رشد، جشنواره فیلم کوتاه تهران، جشنواره اتحادیه رادیو و تلویزیون های کشورهای اسلامی، جشنواره کودک و نوجوان اصفهان و دیگر جشنواره های داخلی و خارجی و ارزیابی های کارشناسان از آثار، این واقعیت را ثابت می کند که این تولیدات هم از نظر کیفی در جایگاهی قابل قبول هستند و هم از نظر مضمونی به دلیل برخورداری از مضامین پاک، اخلاقی، عبرت آموز و دینی می توانند حرف های زیادی برای همه کودکان دنیا داشته باشند.

انیمیشن ایرانی با استفاده از قصه های جذاب بومی، فیلمنامه نویسان متبحر کودک و نوجوان و بلوغ تکنیکی نسل نوجو و توانمند این حوزه، جاده های هموار برای بالندگی و پویایی دارد و با بحث و بررسی بیشتر در زمینه تولید و پخش انیمیشن های تلویزیونی باید به این سمت و سو حرکت کرد.

سازندگان آثار تلویزیونی و سینمایی انیمیشن و فعالان این حوزه معتقدند تلویزیون، بهتر از سینما در به اوج رسانی صنعت انیمیشن می تواند نقشی موثر ایفا کند. روندی که البته در کشورهای صاحب شرکت های فیلمسازی برعکس است و معمولاً سینما جریان انیمیشن را هدایت می کند. موسسه صبا در این زمینه با توجه به تجربیات موفق و حضور کارشناسان خبره، نقشی تعیین کننده دارد و باید با حمایت سرمایه گذاران بخش خصوصی در زمینه انیمیشن و نیز مراکزی چون حوزه هنری، شهرداری و دیگر نهادها و تشکلهایی که توان حمایت مالی یا مشارکت مالی در تولید انیمیشن های تلویزیونی دارند، چشم انداز بهتری برای انیمیشن کشور به وجود آورد و مشارکت تشکلهای، صرفاً در حد و اندازه تولید تیزرهای تبلیغاتی (مانند تیزرهای برق و گاز، کنترل ترافیک، خدمات شهری و...) باقی نماند، چه بسا حمایت یک تشکل دولتی از تولید یک انیمیشن داستانی بلند برای تلویزیون می تواند حاوی همان پیام های اخلاقی و رفتاری در قالبی جذاب تر و تاثیر گذارتر باشد تا هم سفارش دهنده با تشکلی که قرار است در تولید یک اثر انیمیشن مشارکت کند به هدف خود برسد و همه چرخه تولید انیمیشن برای تلویزیون و سینما، بهتر از این بچرخد.

اگر تولید آثار انیمیشن ایرانی جدی گرفته شود، خواهیم توانست عیار بالای انیمیشن سازی در ایران را نظاره کنیم و توانایی های نهفته متخصصان مجرب و جوان ایرانی به حرکت درآید. در این شرایط است که دیگر هیچ کار انیمیشنی در آرشو باقی نمی ماند و هیچ هنرمندی ناچار نیست صرفاً از طریق ساخت تیزر و تیزر تبلیغاتی زندگی خود را بگذراند.

انیمیشن ایرانی نه تنها باید فرصت های بهتری برای دیده شدن و استقبال از سوی مخاطبان ایرانی داشته باشد، بلکه باید فرصت دیده شدن از سوی مخاطبان جهانی و بویژه کشورهای همسور را به دست بیاورد. مسیری که البته همان طور که اشاره شد، به سرمایه گذاری بیشتر از سوی همه متولیان فرهنگی و جدی گرفتن مخاطب کودک و نوجوان و هنرمندانی نیاز دارد که در این زمینه فعالیت می کنند.

توانایی شان ایمان دارم اما آنها دلیل ضعف و کیفیت پایین کارشان را مسائل مادی می دانند، چراکه تکنولوژی با مسائل مالی ارتباط مستقیم دارد. وقتی پول را از انیمیشن بگیریم به یقین کیفیت پایین می آید.

**با تغییر مدیران سینمایی، انیمیشن شرایط جدیدی را تجربه کرده است؟**

امید داشتم با تغییر مدیران سینمایی، امیدهایی برای انیماتورها زنده شود اما تمام حرف ها و سخنرانی ها بیشتر جنبه شعار دارد و عملاً کسی به فکر انیمیشن نیست. متأسفانه این اتفاق برای من نیز افتاد و با وجود قول های فراوانی که به شخص بنده برای اکران فیلم قلب سیمرغ داده شد عملاً اتفاقی نیفتاد، در حالی که به گفته خود دوستان اثری موفق و قابل تامل است. همه اتفاق ها و ماجراها مانند زنجیر به هم وصل است و اگر می خواهیم انیمیشن رشد کند باید دفاتر کوچک و بزرگ انیمیشن سازی داشته باشیم و تلویزیون به عنوان قطب اصلی این ماجرا فعالیت داشته باشد تا انیمیشن رشد کند، اما پرداخت های ناچیز و بی موقع سبب شده آسیب بزرگی به این جریان زده است. خیلی از انیماتورهای خلاق به دلیل مشکلات مالی از این عرصه خارج شده اند و به نظرم موارد ذکر شده را می توان مشکلات و آسیب های اصلی و جدی انیمیشن در ایران دانست. من حسرت دوران طلایی انیمیشن در ایران را می خورم اما پایه های انیمیشن به قدری در کشور ما سست شده که با کمی تغییر وضع مالی دولت و رویکرد و نگاه مدیران به نابودی کشیده می شود. به گمانم اصلی ترین مشکل انیمیشن این است که با نگاه سیاسی و مدیریتی به آن نگرسته می شود و تاکنون میان حرف های مدیران جدید سینمایی چیزی جز شعار نشنیده ام. امیدوارم ما مانند دایره فقط به دور خودمان نچرخیم و بالاخره بتوانیم از دایره بیرون بیاییم و کاری انجام دهیم. متأسفانه و در کمال ناراحتی می توانم آمار دقیقی از ورشکستگی دفاتر انیمیشن ارائه کنم و این آمار تکان دهنده گواه سخنان من است، چراکه بیشتر از ۶۰ درصد شرکت های انیمیشن ورشکست شده اند و این از دوران مدیران قبلی آغاز و با این که امیدوار به تغییر شرایط در دوره فعلی بودیم اما اتفاقی رخ نداد و باید پرسید چرا باید جریان پویا و رو به رشد انیمیشن در ایران رو به تزلزل رود؟

**به نظر شما تلویزیون چه نقشی را در تغییر وضعیت انیمیشن دارد؟**

نقش تلویزیون بسیار موثر است و یکی از اصلی ترین جاهایی است که می تواند انیمیشن را به اوج برساند. دوران اوج تلویزیون زمانی بود که مرتب انیمیشن نمایش می داد و دوران اوج انیمیشن نیز زمانی بود که شاهد پخش آن در تلویزیون بودیم و رسانه ملی تولید انیمیشن را به عنوان برنامه اصلی خود پیگیری می کرد. باید بگویم شرکت های انیمیشن سازی اعم از کوچک و بزرگ به تلویزیون وابسته هستند و به جریان مالی و خروجی مالی تلویزیون ارتباط مستقیم دارند و موازین صدا و سیما را خوب می شناسند.

و این مسیر می توانست ادامه پیدا کند، اما مسائلی که برای من شبیه ایجاد کرده این است که با وجود تاسیس موسسه صبا و تولید انیمیشن های سینمایی اکنون انیمیشن در چه شرایطی قرار دارد. ما سه سال قبل، اتمام قلب سیمرغ را جشن گرفتیم و چهار سال تولید آن طول کشید و در جشنواره های مختلف، موفقیت های بسیاری کسب کرد، اما به طرز عجیبی با اکران آن موافقت نشد تا آنجا که من می دانم این وضعیت در صبا فیلم هم وجود دارد و این مرکز که بسیار خوب پیش می رفت دچار رکود شده است و شاید دلیل این افت، اختصاص نیافتن بودجه به تولید انیمیشن باشد.

**بنابراین شما اصلی ترین مشکل انیمیشن را کمبود بودجه می دانید؟**

بله و متأسفانه ما برنامه مدون و مشخصی برای تولید و حمایت از انیمیشن در تلویزیون و سینما نداریم. مثلاً انیمیشن سینمایی «تهران ۱۵۰۰» به اکران رسید و با موفقیت روبه رو شد و امیدهای خوبی برای انیماتورها به وجود آورد. من نیز به عنوان کارگردان و تهیه کننده انیمیشن قلب سیمرغ، امیدوار به ادامه این مسیر برای سینمای انیمیشن بودم، اما متأسفانه به دلیل نبود برنامه مدون همه اتفاق ها و برنامه ها کوتاه و موقتی است. انیمیشن از دیده و دل مدیران رفته است و کیفیت آثار طی یکی دو سال قبل فوق العاده پایین آمده است. چند وقت پیش فیلم هایی را که خروجی سازمان های مختلف انیمیشن سازی بود، تماشا کردم، کارهایی که عموماً سفارش های صدا و سیما بود، اما متوجه شدم کیفیت کارها بسیار پایین آمده است. در حالی که بیشتر کسانی که این انیمیشن ها را ساخته اند می شناسم و به

سینمای انیمیشن به عنوان بخشی از صنعت بزرگ سینما، به لحاظ اقتصادی، هنری و فرهنگی جایگاه مشخص و روشنی در عرصه سینما و تلویزیون دارد و انیماتورها که به عنوان تکنیسین های هنرمند و خلاق، این هنر را زنده نگه داشته اند، با مشکلاتی دست به گریبان هستند، اما با این اوصاف معتقدند تلویزیون نقش بسیار موثری در به اوج رساندن این هنر دارد. به همین منظور با وحید نصیریان - که انیمیشن سینمایی «قلب سیمرغ» او همچنان در انتظار اکران است - درباره جایگاه انیمیشن در تلویزیون و وضع آن در ایران به گفت و گو نشستیم.

نصیریان متولد سال ۱۳۵۰ اهر آذربایجان شرقی است. او با انیمیشن «فقس» در جشنواره بین المللی فیلم کوتاه تهران شرکت کرد و جایزه بهترین اثر را در بخش پویانمایی به خود اختصاص داد. نصیریان تاکنون آثاری در حوزه فیلم کوتاه و انیمیشن تولید کرده است؛ سه قطره خون، ضد نور، حفره، جایی دیگر، حافظه پیر مشق و... از جمله ساخته های این کارگردان است. او در حال حاضر مشغول ساخت یک فیلم انیمیشنی بلند است. نصیریان همچنین جوایزی را از جشنواره های کشورهای اسپانیا، آلمان، فرانسه و... دریافت کرده است.

**ابتدا درباره شرایط انیمیشن در ایران صحبت کنید.**

اتفاق های خوبی برای انیمیشن ایران رخ داد و می توانم با یقین بگویم حدود هشت الی ۹ سال گذشته ایران جزو بهترین های انیمیشن آسیا محسوب می شد

**پرشیا خودرو**  
عاملیت فروش گرانمایه  
فروش ویژه انواع BMW  
۰۹۱۲-۱۹۴۴۳۴۹

**آگهی مفقودی**  
مدرك فرخ انصاری حسن دلوودآبادی فرزند صديف به شماره شناسنامه ۵۹۸۴ صادره از ترک در مقطع کارشناسی رشته مدیریت صنعتی صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکزی با شماره ۱۷۳۳۱ و تاریخ ۷۶/۱۲/۱۷ مفقود گردیده. از پاینده تقاضا می شود اصل مدرك را به آدرس: تهران- خیابان آزادی- مکتدری شمالی- فرست شورای پلاک ۱۳۶ صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۲۴۸ ارسال نمایند.

**شرکت فنی مهندسی «طلوع افق عیسان»**  
مدیریت ایمان - مدیریت نظارت  
مشارکت در ساخت  
زیر نظر مهندسين مجرب  
۸۸۵۴۳۲۷۷ - ۸۸۵۴۳۲۷۷  
۰۹۱۲۱۹۴۷۲۱۹

**نهمیه عدایی بی خیابان مرند**  
فروش ملکیت و سرقتی با ۱۲ سال سابقه در خانان در محدوده ۲۰، ۱۰، ۶، ۱۰، ۱۱، ۵۰/۳۷ متر همکف ۱۲ متر بالکن با بیش از ۷۰ میلیون فروش ماهیانه  
۰۹۱۲۳۰۳۸۲۴۰

**برو جرد با قیمت استثنایی**  
موقعیت عالی، دسترسی به مراکز تجاری و تفریحی، فضای باز، پارکینگ وسیع، امکانات رفاهی کامل، مناسب برای سرمایه گذاری و سکونت.  
۰۹۱۲۳۷۵۷۰۷۵

**قابل توجه صاحبان مشاغل**  
موقعیت تجاری عالی، سعادت آباد بالاتر از کاج، آکازین، ۲۲ متر با جواز ملکیت + سرقتی، با ۳۰ متر انبار تجاری  
۰۹۳۰۹۲۹۵۸۴۴





حرفه‌ای انیمیشن نداریم و چندان تخصصی به مساله نگاه نمی‌شود. در ایران همچنان تفکیک تخصص وجود ندارد و نویسندگی انیمیشن تخصصی است و فرد باید در آن مهارت داشته باشد.

او درباره شرایط فعلی انیمیشن توضیح می‌دهد: بیشترین مشکل، پول و نبود سرمایه‌گذاران قوی است چون کارها جنبه شخصی دارد و تهیه‌کننده‌ها مجبورند به دنبال تولیداتی سهل‌الوصول‌تر از لحاظ تکنیکی بروند. وقتی از لحاظ بودجه دستمان باز باشد، می‌توانیم آلمان‌های بسیاری به آن اضافه و زمان بیشتری برای آن صرف کنیم و فیلمنامه را چند نفر بررسی کنند. دوم این‌که شاهد شتاب‌زدگی تکنیکی در کارها هستیم و به نظر می‌رسد می‌خواهیم تکنیک را به رخ بکشیم و این گونه از فیلمنامه دور می‌شویم.

کاویان‌راد در خصوص آسیب‌شناسی جریان انیمیشن عنوان می‌کند: آسیب مهم انیمیشن طی سال‌های گذشته این است که تیم‌های ساخت انیمیشن بزرگ نیستند. بیشتر کشورها تولیدات تیمی دارند که ما از این جریان دور هستیم. انیمیشن کار سختی است و هزینه و بودجه بسیاری می‌برد و این با کار تیمی جلو می‌رود.

او ادامه می‌دهد: ما شاهد دوستانی هستیم که ناامان در تیم‌های مختلف دیده می‌شود، در حالی که نمی‌شود به طور هم‌زمان در چند پروژه کار کرد. در انیمیشن‌های خارجی می‌بینیم اگر فردی تهیه‌کننده است، واقعا جز کار تهیه، مسئولیت دیگری ندارد اما در ایران این طور نیست. هدف ما پر کردن آنتن است و شاید به همین دلیل کمیت اهمیت بیشتری دارد.

کاویان‌راد با اشاره به گسترش انیمیشن در کشورهای دیگر عنوان می‌کند: صنعت انیمیشن در دنیا بسرعت در حال گسترش است و حتی کشورهایی مثل هند و چین که قبلا جایگاه چندانی در انیمیشن نداشتند، در این زمینه در حال رشد هستند. شبکه‌های تلویزیونی دنیا گسترده‌اند و این انیمیشن‌ها به دلیل تعدد شبکه‌ها برای سازندگان صرفه مالی دارد، اما متأسفانه ما این محصولات را فقط برای خودمان ساختیم و به عنوان فردی که ۲۰۰ دقیقه انیمیشن برای تلویزیون تولید کرده‌ام، نمی‌دانم کدام یک از کارهایم به صورت جهانی عرضه می‌شود. یک محصول فرهنگی می‌تواند سفیر فرهنگی خوبی باشد و لازمه آن حضور در کشورهای دیگر است تا بازگشت اقتصادی داشته باشد.

او اصلی‌ترین آسیب را در توقف انیمیشن می‌داند و خاطر نشان می‌کند: اگر در کارهای تلویزیونی هم به دلیل کمبود بودجه با مشکل روبه‌رو هستیم به علت دیربازده بودن انیمیشن است. برای یک سریال حداقل به دو یا سه سال زمان احتیاج داریم. اگر قرار باشد وقفه بیفتد، دوباره راه انداختن یک موتور خاموش مشکل ایجاد می‌کند. بنابراین به مدیریت طولانی‌مدت احتیاج داریم تا کار انیمیشن به صورت ثابت و ایستا پیش برود. گاهی به دلیل ثبات نداشتن، آن قدر در کار یک کارگردان تغییر به وجود می‌آید که باعث دور شدن او از هدف اصلی‌اش می‌شود. بچه‌های امروز بسیار باهوش

جادوی انیمیشن در ذهن بچه‌های نسل دیروز نقش بسته و بخش مهمی از خاطرات کودکی آنها را تشکیل می‌دهد. نخستین تلاش‌ها برای ساخت انیمیشن در ایران از طرف کسانی مثل اسفندیار احمدیه صورت گرفت که به ساخت فیلم ملانصرالدین در سال ۱۳۳۶ منجر شد. انیمیشن در ایران صنعت نوپایی است، اما موضوع قابل توجه این است که به‌رغم تمام محدودیت‌های بودجه‌ای که برای ساخت انیمیشن داریم، پردازش فیلمنامه‌هایی با بودجه‌های مناسب هم با مشکل روبه‌روست.

علیرضا کاویان‌راد،



فوق‌لیسانس انیمیشن و مدیرمسئول موسسه مداد سبز با اشاره به خیال‌انگیزی انیمیشن می‌گوید: انیمیشن دنیای تخیل است و غیرممکن‌ها را ممکن می‌کند.

همه ما دوست داریم لحظاتی از دنیای واقعی خودمان جدا و وارد تخیلات دنیای کودکی شویم.

این کارشناس انیمیشن در خصوص کار برای گروه‌های مختلف سنی بیان می‌کند: طی سال‌های اخیر، برای ساخت انیمیشن مخاطب‌شناسی انجام شده است. اگر انیمیشن برای گروه سنی خردسال باشد، تلاش می‌کنیم طراحی‌ها ساده‌تر و داستان روان‌تری داشته باشیم و علاوه بر آن، رنگ‌ها نباید پیچیده باشد. مخاطب گروه سنی بالاتر پیچیدگی بیشتری می‌خواهد و طراحی‌ها به واقعیت نزدیک می‌شود، اما همچنان از تنوع مورد نظرمان دور هستیم.

کاویان‌راد با اشاره به این‌که چرا انیمیشن‌های ما درباره کودک است و نه برای کودک، یادآور می‌شود: شاید بزرگ‌ترها از دیدگاه خودشان کار می‌کنند و چندان از حیطه روان‌شناسی کودک به فیلم نگاه نمی‌کنند. این ضعف را قبول دارم، چون کار کارشناسی کمتری در این زمینه شده است. بچه‌ها براحتی در تخیلات خودشان غرق می‌شوند. برای این‌که به سلیقه‌ها و علایق بچه‌ها نزدیک شویم، باید از آنها کمک بگیریم و از باز خورد کار آگاه شویم. اگر کاری انجام دهیم که دیده نشود و بچه‌ها از آن استقبال نکنند، خواهان ندارم.

وی یادآوری می‌کند: انیماتورها از بچه‌ها برای انیمیشن استفاده نمی‌کنند. متأسفانه آمار دقیقی برای آگاهی از نظرات در حوزه ساخت انیمیشن وجود ندارد. در بسیاری از جاها، پرسشنامه‌هایی وجود دارد که مخاطب را به نظرسنجی دعوت می‌کنند و قبل از ساخته شدن اثر، فیلمنامه را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند تا نسخه صفر آن قبل از نمایش با نظر یک جامعه آماری اندک، بررسی و تغییرات مورد نظر مخاطب در فیلم اعمال شود.

کاویان‌راد توضیح می‌دهد: منابع ادبی ما غنی است، اما دراماتیزه کردن این آثار برای تبدیل شدن به یک اثر مخاطب‌پسند و انیمیشن با کیفیت، اهمیت بسیاری دارد. ما به معنای واقعی فیلمنامه‌نویس یا آهنگساز

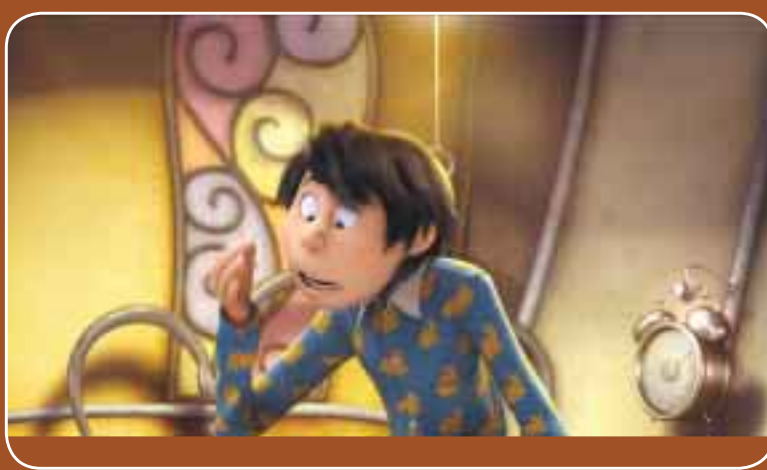
کند برای گفتن مساله‌ای با محدودیت روبه‌روست، دچار خودسانسوری می‌شود و این به کار ما ضربه می‌زند. برخی مسائل در انیمیشن هم به قاعده تبدیل شده است و ما نمی‌توانیم محبت یک مادر نسبت به فرزندش را هنگام خداحافظی نشان دهیم. گاهی به طور خودخواسته این موضوعات را از فیلمنامه حذف می‌کنیم تا احیاناً در روند تولید با مشکل روبه‌رو نشویم.

این کارشناس انیمیشن با اشاره به علت شاد و پرتحرک نبودن انیمیشن‌ها بیان می‌کند: پرتحرک شدن انیمیشن به هزینه احتیاج دارد. موزیکال ساختن کار هم هزینه دارد. ما دوره‌ای با عنوان کلاسیک را گذراندیم تا به «شکرستان» رسیدیم و تا زمانی که «قصه‌های کهن» به عنوان مواد خام کلاسیک ساخته نمی‌شد، نمی‌توانستیم به این اشاره کنیم که مخاطب از دوره قبلی گذشته است. شکرستان و «دانشمندان بزرگ ایران» روی شانه طرح‌هایی مثل قصه‌های کهن ایستادند. علاوه بر آن بسیاری از ممیزی‌ها در کار ما در شکرستان وجود ندارد، چون بیرون از

هستند و برای این‌که موضوعی را انتقال دهیم، باید آن را در چند لایه ببوشانم و به بچه‌ها بگویم. در انیمیشن «کمپانی هیولاها» با بچه‌ها به صورت روان‌شناسانه برخورد شده اما آن قدر جذاب است که بچه‌ها تکان نمی‌خورند. گاهی پیام انیمیشن‌های ما مستقیم است که بچه‌ها کاملا متوجه می‌شوند و می‌روند. از طرف دیگر برای بیان موضوعات خودمان کند هستیم، در صورتی که اتفاقات در انیمیشن آن قدر باید سریع باشد که فرصت پلک زدن را هم از مخاطب بگیرد.

این کارشناس انیمیشن درباره فعالیت شبکه پویا می‌گوید: ما شبکه پویا داریم، اما باید برایش خوراک تهیه کنیم و این مشکل بزرگی است. به نظرم حتی پخش مکرر تولیدات انیمیشن در شبکه پویا هم به کار آسیب می‌زند.

او با اشاره به لزوم اعتماد در تلویزیون برای ساخت انیمیشن می‌گوید: تلویزیون باید به هنرمندان انیمیشن قدیمی اعتماد کند و اجازه بدهد با توجه به تجربیات خودشان پیش بروند. وقتی یک انیماتور دائم احساس





دریچه‌های بهبود وضعیت انیمیشن در ایران

# مثل بچه‌ای که راه نمی‌رود!



از سنین پایین‌تر و از مقطع راهنمایی انیمیشن را آغاز کنیم تا بتدریج به کارشناسی ارشد برسیم. اکنون روی این قضیه کار می‌شود و خودم معترض به این سیستم آموزشی هستم. امیدوارم به جایی برسیم که از سنین پایین‌تر هنرمندان انیمیشن را بشناسیم و روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم. منابع مرتبط با انیمیشن کم است و ترجمه آنچنانی نکرده‌ایم و کارگاه آنچنانی نداشته‌ایم. بسیاری از دانشجویان کار انیمیشن را به دلیل طولانی بودن زمان بازدهی آن رها می‌کنند و به دنبال کار دیگری می‌روند.

کاوایان راد در پایان صحبت‌هایش یادآور می‌شود: متأسفانه همچنان تولیدات ما منطقه‌ای است و هنوز امکان تبادل محصول در زمینه انیمیشن برای ما به وجود نیامده است. انیمیشن کشورمان هنوز مانند بچه‌ای است که نشسته است و نمی‌تواند راه برود و باید راهی برای این مشکل پیدا کنیم. آینده نسل جوان را محصول فرهنگی می‌سازد و نباید کوتاهی کنیم. تبعات وقفه در انیمیشن طی یک سال اخیر را حتماً خواهیم دید.

سازمان ساخته شده و هم از نظر فیلمنامه و هم از لحاظ تصویری بهتر کار شده است. شکرستان برای سنین بالا ساخته شد اما بعدها در باکس کودک پخش می‌شد. اقدام مثبت حوزه هنری این بود که بتدریج این پروژه را گسترش داد و عروسک آن ساخته شد و روی دفترهای درسی آمد.

کاوایان راد درباره سینمای کودک و فیلم‌های انیمیشن تلویزیونی یادآور می‌شود: به نظرم سینمای کودک جدی گرفته نشده است و مشکل اصلی ما، بزرگسالان هستند چون فکر می‌کنیم باید فقط به بزرگسالان بها دهیم و بچه‌ها را رها کردیم. در حقیقت جایگزینی ما برای ندیدن انیمیشن خارجی کم است. انیمیشن اگر خوب باشد، بزرگسالان هم مخاطب آن می‌شوند. بهتر است داورهای اختصاصی برای هر بخش جدا باشد و بهترین‌ها را برای داوری انتخاب کنیم و تیم‌های انیمیشن منسجم‌تر باشند.

وی درباره استفاده از متخصصان خارج از کشور برای ساخت انیمیشن می‌گوید: در بحث آموزش باید

## نبود فضای رقابتی

حسین نیازی، فیلمنامه‌نویس انیمیشن درباره شرایط فیلمنامه‌نویسی در این حوزه می‌گوید: مشکل بودجه همیشه وجود داشته است و باید از فیلمنامه‌نویسانی که به صورت تخصصی در ایران کار کردند، استفاده شود. تفاوت فیلمنامه‌نویس در ایران به نسبت فیلمنامه‌های دیگر این است که دکوپاژ همانجا اتفاق می‌افتد. یک فیلمنامه‌نویس انیمیشن باید مثل کارگردان عواقب فیلمنامه‌اش را ببیند و خودش آن را دکوپاژ کند.

او ادامه می‌دهد: ما در ساخت انیمیشن قدمت آنچنانی نداریم و به همین دلیل به صورت واقعی بررسی نکردیم که گروه‌های سنی مختلف در سطح جامعه چه خواسته‌هایی دارند. وقتی فیلمنامه‌ای نوشته می‌شود، به دلیل کمبود بودجه و نبود فیلمنامه‌نویسان تخصصی که بتوانند دکوپاژ انجام دهند و همچنین نبود فناوری‌های قوی در زمینه انیمیشن با مشکل روبه‌رو می‌شویم. تعداد انیماتورها بشدت کم است و به دلیل کمبود بودجه گفته می‌شود باید حرکات کم باشد تا به تولید برسد، اما وقتی کار برای کودکان است باید فعالیت و انرژی زیاد باشد. معمولاً به دلیل کمبود بودجه در کار دخالت می‌کنند و حرکات را می‌گیرند. در زمینه فناوری هم متخصصان آن قدر کم هستند که نمی‌توانند رنگ‌ها را به صورت حرفه‌ای کنار هم بنشانند. مساله دیگر این است که تمام انیمیشن‌های ما با توجه به کادر و حرکات برای قالب تلویزیون ساخته می‌شود و برای نمایش در سینما نیست، چون سینما عریض‌تر است و ما می‌توانیم حرکت بیشتری داشته باشیم.

نیازی، با اشاره به کم بودن اتفاقات در حوزه کودک عنوان می‌کند: به دلیل کم بودن ساخت فیلم در زمینه کودک، انیمیشن هم تابعی از آن می‌شود و علاوه بر آن هم عادت کرده‌ایم انیمیشن را در



ایران بدون رعایت کپی‌رایت ببینیم. از طرف دیگر مخاطب سینمای ما بی‌هدف است و برای گذران وقت به سینما می‌رود. بنابراین نمی‌شود انتظار چندانی از این سینما داشت. مثلاً «انیمیشن تهران ۱۵۰۰» هفت میلیارد تومان هزینه داشت و هیچ تهیه‌کننده‌ای حاضر نمی‌شود برای بازدهی یک میلیاردی به این سمت حرکت کند، مگر این که جزئی از اهداف دولت فقط برای ساخته شدن باشد.

او اضافه می‌کند: زمان طولانی تولید یک انیمیشن اصلاً مقرون به صرفه نیست و برخی در میانه کار به آینده اش فکر می‌کنند. پیش تولید یکساله برای پنج قسمت انیمیشن زیاد است و همه به چگونگی تولید آن فکر می‌کنند، در حالی که نمایش انیمیشن در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. مراحل بازمینی زیاد است و هیچ کس مطمئن به بازگشت سرمایه نیست.

این فیلمنامه‌نویس انیمیشن در ارتباط با شاد بودن فضاهای انیمیشن ایرانی و پرحرکت بودن انیمیشن‌های

خارجی توضیح می‌دهد: بیشتر فیلمنامه‌نویس‌های انیمیشن ما مخصوص تلویزیون و سینما و متخصص نوشتن فیلمنامه انیمیشن کودک نبودند. وقتی بخواهیم شعری را در انیمیشن بگنجانیم به یک حرکت لب قوی احتیاج دارد که متخصص می‌خواهد و این هم هزینه بر است. در یک دقیقه اجازه ندارید بیشتر از دو یا سه حرکت در کارتان بگنجانید و این، هم حرکت و هم فیلمنامه را کند می‌کند. بچه‌ها بیشتر به حرکات توجه می‌کنند تا این که روی دیالوگ فیلم‌ها دقیق شوند.

نیازی، درباره دلیل تأکید بیش از اندازه تلویزیون بر آموزشی بودن انیمیشن‌ها می‌گوید: هر چند به یک تحقیق گسترده احتیاج دارد و از طرف دیگر تلویزیون هم می‌خواهد همه مسائل آموزشی باشد و موسساتی هم که در زمینه انیمیشن فعالیت می‌کنند، فرهنگی - آموزشی هستند. بودجه‌های دولتی برای ساخت این انیمیشن‌ها در موسسات آموزشی سازنده انیمیشن هم توزیع می‌شود. در سیاست‌های کلی کشورمان هم تفریح محض بدون آموزش وجود ندارد و حتی در پارک‌ها هم می‌خواهیم آموزش دهیم. بچه‌های امروز هم باهوش هستند. بخش اندکی از انیمیشن شامل آموزش می‌شود و این آموزش هم باید آن قدر غیرمستقیم باشد که بچه‌ها آن را پس نزنند. تنها انیمیشنی که مورد استقبال قرار گرفت و ابتدا بودجه خوبی داشت شکرستان بود. حرکات در این انیمیشن زیاد بود و بچه‌ها زنده بودن آن را احساس می‌کردند.

این فیلمنامه‌نویس درباره علت کم بودن تعامل سازندگان انیمیشن با بچه‌ها در مراحل ساخت یادآور می‌شود: ما شرکت‌های نظرسنجی نداریم و از طرف دیگر فرصت نظرسنجی وجود ندارد و باید آن قدر سریع کار شود تا هزینه‌ها را پوشش دهد. مهم‌ترین مساله این است که مخاطب شناسی ما درباره هر رشته هنری مشکل دارد و جامعه آماری درستی نداریم. دنیا درباره تمام موضوعات موسسات نظرسنجی دارد، اما در ایران این موسسات محدود است و برای مردم هم جدی نیست.

نیازی در خصوص استفاده از متخصصان خارجی برای ساخت انیمیشن در ایران یا فرستادن افراد برای یادگرفتن تکنولوژی جدید به خارج از کشور می‌گوید: ما هیچ کدام از این دو کار را انجام نمی‌دهیم، چون برای ما جدی نیست. اگر بازار آزاد برای انیمیشن وجود داشت و تنها رسانه پخش‌کننده تلویزیون نبود، شرایط بهتر می‌شد و بازاری به وجود می‌آمد که در آن رقابت شکل می‌گرفت. اگر رقابت شکل بگیرد به حضور متخصصان هم نیاز پیدا می‌کنیم. به دلیل این که در رقابت با کشورهای دیگر نیستیم، نیازی برای بهبود کیفیت انیمیشن هم احساس نمی‌کنیم. در سینما و تلویزیون آمریکا کم اتفاق می‌افتد که متخصص سرپال‌سازی یک فیلم هم بسازد و معمولاً در کارها از این افراد به عنوان مشاور استفاده می‌شود. مساله بیشتر به خصوصی نبودن و نبود بازار آزاد برای انیمیشن باز می‌گردد.





# در ستایشِ کانون خانواده

از میان ده‌ها سریال پخش شده در شبکه‌های سیما، تعداد کارهایی که دیده شدند و مخاطب میلیونی پیدا کردند، انگشت شمارند. از میان سریال‌های پر بیننده امسال، «مادرانه»، «بچه‌های نسبتا بد» و «آوای باران» در ژانر ملودرام اجتماعی و «پژمان»، «دودکش» و «پایتخت ۲» در ژانر کمدی - خانوادگی بودند. البته «یادآوری» محصول شبکه آی‌فیلم، هم سریال خوبی بود که چندان دیده نشد و اگر از شبکه‌های پر بیننده‌تر روی آنتن می‌رفت شاید گستره مخاطبانش هم بیش از این می‌شد.

## پایتخت ۲؛ کانون گرم خانواده



در میان سریال‌های نوروزی سال ۹۲، پایتخت ۲ در جذب مخاطب، یکه‌تاز بود. البته عمده موفقیت آن را باید مدیون سری نخست این سریال دانست، چون اگر پایتختی که سال ۹۰ پخش شد، ضعیف و خسته‌کننده از آب درآمده بود مسئولان رسانه ملی با ساخت سری دوم و حالا سومش موافقت نمی‌کردند. سیروس مقدم که در سال‌های اخیر به فیلمساز مورد اعتماد رسانه ملی تبدیل شده و آثارش عمدتاً جزو پر بیننده‌ترین‌های سیما بوده، بخوبی نبض مخاطبان را در دست دارد و حتی نامش می‌تواند یک فیلمنامه متوسط را به اثری قابل قبول تبدیل کند.

داستان‌هایی معمولی با آدم‌هایی معمولی همه داروندار پایتخت بود که با یک داستان پردازی حساب شده توانست در دل مردم نفوذ کند و همدلی آنها را همراه گریه و خنده آدم‌های قصه برانگیزد. البته در پایتخت ۲، نویسندگان دیگر دغدغه شخصیت پردازی نداشتند و این کارشان را راحت‌تر کرده بود، چرا که مردم در سری اول، شخصیت‌ها را شناخته و با آنها اُخت شده بودند.

خانواده دوستی، توکل بر خدا، اعتقاد به حلال و حرام، احترام به بزرگ‌ترها، نوع دوستی و کمک به دیگران، همه اینها در لایه‌های زیرین سریال وجود دارد و نویسنده‌ها آنها را به مخاطب منتقل می‌کنند، اما نه گل درشت و به شکلی که توی ذوق بزند. این هنر فیلمنامه‌نویسان پایتخت است. از طرف دیگر، خلق داستانک‌های فرعی جذاب در کنار قصه اصلی و آوردن شخصیت‌های جدید در هر قسمت، از دیگر شگردهایی بود که اجازه نمی‌داد سریال از نفس بیفتد و یقه تماشاگر را رها کند.

## دودکش، برنده رقابت با خروس



از میان سریال‌هایی که ماه رمضان روی آنتن رفت بجز مادرانه که اثری ملودرام و تلخ بود، شبکه‌های دو و سه سریال‌هایی کمدی تدارک دیده بودند و «دودکش» براحتی توانست دیگر رقیبش (خروس) را با فاصله‌ای زیاد پشت سر بگذارد.

اولین عامل موفقیت دودکش را باید فیلمنامه ساده و یکدست آن دانست. برزو نیک‌نژاد با شناخت خوبی که از شخصیت‌های قصه‌اش داشته فضا را به سمت رئالیسم برده و این برای بیننده‌ای که مشابه



اما از سوی چهار جوان به سرقت می‌رود. پیمان عباسی با نوشتن قصه‌ای پرافت و خیز که شخصیت‌های اصلی‌اش چند جوان هستند، قدم اول را در جذب مخاطب نوجوان و جوان برداشته و در قدم دوم با انتخاب یک زاویه دید مدرن برای روایت غیرخطی، تجربه جدیدی در سیما باز کرده است که در بعضی قسمت‌ها حتی به سریال‌های روز دنیا پهلو می‌زند.



سیروس مقدم نیز که سبک جدیدی از دکوپاژ و تصویربرداری نامتعارف را در «زیر هشت» تجربه کرده بود، در این سریال نیز همان فضا را پیاده کرد؛ زیرا ریتم تند حوادث و کنش‌های دراماتیک موجود در قصه و رابطه آدم‌ها چنین شیوه‌ای را می‌طلبید تا در تماشاگر این هیجان و اشتیاق برای پیگیری کار از بین نرود. تدوین کار هم بشدت در خدمت قصه بود. بازی میلاد کی مرام و یوسف تیموری (که نشان داد هنوز می‌تواند نقش‌های جدی هم بازی کند) را نیز باید جزو نقاط مثبت سریال ارزیابی کرد.

پرداختن به مفاهیمی همچون ناموس پرستی، سوءظن به یک بیگناه، اعاده حیثیت، عشق پسر فقیر به دختر پولدار، تلاش برای بقای خانواده و عاقبت کشیده شدن به راه خلاف، گرچه مورد پسند تماشاگر عام قرار می‌گیرد، اما کار را سطحی و شعاری می‌کند که می‌توان جزو نقاط ضعف بچه‌ها دانست.

## پدیده‌ای به نام پژمان

برگ برنده سریال «پژمان» بدون تردید خود

روی آن مانور می‌دهد که به فاجعه تبدیل می‌شود. رعنا که چند سال قبل از ارسال طلاق گرفته و بچه‌هایش را به امان خدا گذاشته و رفته، ناگهان سر و کله‌اش پیدا می‌شود و می‌خواهد بچه‌هایش را با خود ببرد. این اتفاق باعث می‌شود رابطه نه‌چندان مثبت اردلان با دخترش نمود پیدا کند و در ادامه به فاجعه‌ای می‌رسیم که رها با سرکشی‌ها، دوستی با جنس مخالف و اعتیادش رقم می‌زند. تقابل یک زن مثبت (مریم) با یک زن وظیفه‌نشناس و خودخواه (رعنا)، مواجه شدن اردلان با عشق قدیمی‌اش، راه رفتن روی خطوط قرمز تلویزیون و تلنگر زدن به فساد اقتصادی و ثروت بعضی از تازه‌به‌دوران رسیده‌ها از دیگر عوامل ایجاد جذابیت در این سریال به‌شمار می‌روند.



البته مادرانه در پرداخت، ضعف‌هایی هم داشت. مثل شخصیت پردازی محمدجواد که از بس خوب و پاک بود روی اعصاب بیننده‌ها رژه می‌رفت یا آن پیرمرد موسفیدی که گوشه عزلت اختیار کرده و فقط کارش دلداری دادن و حل کردن مشکل آدم‌های قصه بود.

## بچه‌های نسبتا بد، سریالی نسبتا خوب!

«بچه‌های نسبتا بد» بیست و سومین سریال سیروس مقدم - کارگردان پر کار تلویزیون - شب‌های پاییز روی آنتن رفت. داستان درباره یک گاو صندوق حاوی ۲۰۰۰ سکه طلا بود که به همت یک موسسه خیریه و برای اهدا به زوج‌های نیازمند فراهم شده،

آن آدم‌ها و رویدادها را هر روز در زندگی خود و اطرافیانش مشاهده می‌کند، ملموس و باور پذیر است. البته نویسنده در بعضی مواقع در شخصیت پردازی‌ها زیاده از حد اغراق می‌کند که با اغماض می‌توان آن را لازمه ایجاد صحنه‌های کمدی موقعیت دانست. نکته دیگر، بها دادن به شخصیت‌های زن برای اجرای صحنه‌های کمدی بود که در دودکش دیدیم. عفت و عالیبه نیز پایه‌های مردها می‌آمدند و مکمل‌های خوبی برای فیروز و بهروز بودند.

اگر تبدیل شدن دیالوگ‌های یک سریال به تکیه کلام مردم کوچه بازار را نشانه دیده شدن یک سریال بدانیم، تکرار روزمره دیالوگ‌های دودکش (مثل ضرس قاطع، آمپاس، قمپوز در کردن، لغز خواندن و آچمز) را می‌توان شاهدی بر پرمخاطب بودن این اثر به حساب آورد.

زوج برق‌نورد و تشکر که در «ساختمان پزشکان» شکل گرفتند و در «دزد و پلیس» دیده شدند، نقش‌های اصلی دودکش را ایفا کردند. امیرحسین رستمی نیز که انتظار می‌رفت همان شخصیت کم‌هوش و بی‌حواس شکور در شمس‌العمارة را تکرار کند با هوشمندی توانست پنجره جدیدی در جنس بازی‌اش بگشاید و تا چند سال خود را در مقابل کلیشه‌شدن بیمه کند. از طرف دیگر محمدحسین لطیفی که یک دوره رکود را با آثار پرحاشیه و ناتمامش در شبکه نمایش خانگی پشت سر گذاشته بود، توانست با ساخت دودکش به‌دوران اوج خود برگردد.

## مادرانه؛ پدرانه با اعمال شاقه

طلاق سوژه جدیدی نیست و بارها دستمایه فیلمنامه‌نویسان قرار گرفته، اما آنچه سریال مادرانه را با این سوژه تکراری به موفقیت رساند، بازی خوب بازیگران و داستانی بی‌نقص سعید نعمت‌الله بود. او مانند کارهای قبلی‌اش (جراحت، دیوار و زیرهشت) ابتدا یک مساله را مطرح و بعد آن قدر



# سریال‌های ۹۲؛ شبکه به شبکه

پژمان جمشیدی، فوتبالیست سابق تیم پرسپولیس بود که این بار در قامت یک بازیگر کاربلد و شش‌دانگ جلوی دوربین ظاهر شد. او که خود، ایده سریال را به برادران قاسم‌خانی پیشنهاد کرده بود، توانست در نقش یک فوتبالیست بازنشسته که سنش بالا رفته و هیچ تیمی او را نمی‌خواهد، ظاهر شود و با زبان طنز، مشکلات و مسائلی را که فوتبالیست‌ها پس از پایان دوران فوتبال خود با آن دست به گریبانند، بازگو کند. زوج او و سام درخشانی بخوبی با بیننده ارتباط برقرار کرده و همه رفتارهایشان اعم از قهرهای بچگانه، رفاقت‌ها، فرصت‌طلبی‌ها و سادگی ذاتی‌شان به دل می‌نشیند.



دومین عامل جذابیت این سریال، حضور برادران قاسم‌خانی به عنوان نویسنده بود که با توجه به سابقه خوبشان می‌تواند قبل از پخش یک سریال، برطرف‌دار بودن آن را تضمین کند. قاسم‌خانی که خلق شخصیت‌های خنگ و بامزه به یکی از اصول اولیه نوشته‌هایش تبدیل شده، پژمان را نیز چنین آدمی فرض کرده و البته با ریسک بزرگ جمشیدی برای ایفای این نقش، شخصیت پژمان را به یکی از ماندگارترین شخصیت‌های چند سال اخیر بدل می‌کند.

کنایه‌های جذاب و بعضاً تلخ به وضع فوتبالیست‌ها، شوخی با فعالیت‌های اجتماعی زنان (که بهاره رهنما نمادش بود) استفاده از فوتبالیست‌ها در جای درست و بازی‌گیری مناسب از آنها را نیز باید به حساب سروسرشت صحت گذاشت تا این‌گونه مثلث موفقیت پژمان کامل شود.

## آوای باران؛ موفق در یک ماراتن بی‌رقیب



«آوای باران» در حالی توانست پرمخاطب‌ترین سریال فصل زمستان شود که رقیب قدرتمندی نداشت. این سریال با درونمایه‌ای اجتماعی - خانوادگی درباره تاجری ثروتمند به نام طاهرا که بر اثر ورشکستگی مالی، زندگی‌اش با تغییراتی همراه شد. از طرف دیگر پرداختن به آسیب‌های اجتماعی و مسائلی که پیرامون کودکان کار و خیابان وجود دارد، وجهه اجتماعی سریال را پررنگ‌تر کرد به نحوی که در بعضی قسمت‌ها آنها بودند که قصه را به جلو هدایت می‌کردند و شخصیت‌های اصلی را در سایه قرار داده بودند. با این حال، وجه ملودرام کار، گاهی بشدت هندی می‌شد و در قسمت‌های آخر نیز قصه کشش لازم را برای همراه کردن مخاطب نداشت.

تجربه نشان داده سریال‌هایی که شخصیت اصلی‌اش یک دختر باشد این شانس را دارد که با استقبال خانم‌های خانه‌دار و دخترانی که قسمت عمده وقت خود را در منزل سپری می‌کنند، مواجه شود؛ نکته‌ای که درباره آوای باران صدق می‌کند و قبل از پخش نیز می‌شد آن را حدس زد. هوشمندی سهیلی‌زاده در انتخاب بازیگران و سپردن نقش‌هایی متفاوت با آنچه تماشاگر از آنها دیده را باید یکی از نقاط قوت این سریال دانست. بخصوص الهام چرخنده و سام درخشانی و نیز مهران احمدی که یکی از ماندگارترین نقش‌های تلویزیونی خود را ایفا کرده‌اند.

## محمد جلیوند

شبکه‌های مختلف تلویزیونی در سالی که آخرین روزهایش را پشت سر می‌گذاریم در جهت جلب نظر مخاطبان، برنامه‌های سرگرم‌کننده مختلفی را روی آنتن فرستادند که مجموعه‌های تلویزیونی سهم ویژه‌ای داشتند. در این روزها، نگاهی کلی به برخی از مجموعه‌های مطرح پخش شده در سال ۱۳۹۲ خواهیم انداخت به امید آن‌که در سال پیش‌رو، شاهد آثار درخشان‌تری در این باب باشیم.

## شبکه یک



شبکه یک سیما در آغاز سال با پخش «پایتخت ۲» به کارگردانی سیروس مقدم گوی سبقت را از دیگر شبکه‌ها بود و مخاطبان انبوهی را در تعطیلات نوروزی پای این کار نشانند. پایتخت ۲ در قیاس با سری نخست، ضعف‌های بیشتری مخصوص در بخش فیلمنامه داشت و بسیاری از شوخی‌های نوشته شده برای آن نیز تکراری بود، اما با همه اینها بازی‌های هماهنگ گروه بازیگران و نیز ریتم نسبتاً تند آن بسیاری از این ضعف‌ها را پوشاند و مجموعه یاد شده را با روند مناسبی پیش برد. در سری دوم پایتخت شوخی‌های مربوط به گرفتار شدن نقی، ارسطو و پنجعلی در رستوران بین‌راهی و شرکت کرد نشان در مسابقه تلویزیونی و برنده شدنشان بسیار خوب از کار درآمده بود و رگه‌هایی از کم‌دلی ناب را با خود دارد. همین‌طور بخش‌های مربوط به گرفتن جایزه از تلویزیون (پکیج فرهنگی!) که با زمان‌بندی خوب تیاننده و مهرانفر در اجرای شوخی‌ها و کارگردانی خلاقانه مقدم در یاد مخاطبان باقی می‌ماند. با این حال فیلمنامه پایتخت ۲ بار کم‌دلی کافی را نداشته که بدون شک، شتابزدگی هنگام تولید، نقشی اساسی در این امر داشته است. حال باید در نوروز ۱۳۹۳ منتظر سومین قسمت پایتخت باشیم و کیفیت آن را در قیاس با قسمت‌های پیشین بسنجیم.

«کلاه پهلوی» ساخته ضیاءالدین دری، یکی دیگر از کارهای فاخر شبکه یک سیما در سال‌های اخیر است که مدت زمان زیادی هم صرف تولید آن شده است. مجموعه‌ای با یک مضمون ارزشمند که به تهاجم فرهنگی بیگانگان به کشورمان در سال‌های حکومت رضا شاه می‌پرداخت و شخصیت‌های محوری‌اش را در دل تاریخ پیش می‌برد و در آخر، سرانجامشان را پیش روی مخاطبان خویش قرار می‌داد. البته این پیام ارزشمند مستتر در قصه گاه آنچنان که باید و شاید به‌تصویر کشیده نشد و تعدد شخصیت‌ها به روند پیشبرد قصه لطمه وارد کرد؛ هرچند در قسمت‌های پایانی، بسیاری از این ضعف‌ها برطرف شد و کلاه پهلوی بایک پایان‌بندی درخشان به پایان رسید. بازی متفاوت امین حیایی در نقشی پرفراز و نشیب، یکی از نقاط قوت مجموعه بود.

«بچه‌های نسبتاً بد» دومین ساخته سیروس مقدم است که امسال روی آنتن شبکه یک رفت و در گونه‌ای کاملاً متفاوت با پایتخت ساخته شده بود. این مجموعه داستانی آشنا و کاملاً کلیشه‌ای را درباره دزدی کلان چند جوان آس و پاس روایت کرد، به‌طوری که مخاطب به‌مرور با زندگی هر کدام از آنها و مشکلاتشان آشنا می‌شد. مقدم برای روایت قصه کهنه سریال خود به سراغ ترفندهایی همچون روایت غیرخطی و شکستن زمان به دفعات رفته و بازگوشی‌های تکنیکی‌اش را

در بچه‌های نسبتاً بد، تمام و کمال به نمایش گذاشت. البته این فرم روایی چندان برای تماشاگر آشنا نبود، اما با وجود این، بازی‌های خوب اشکان خطیبی و میلاد کی‌مرام جذابیت‌های آن را دو چندان کرد.

## شبکه دو سیما

این شبکه با مجموعه تلویزیونی «همه خانواده من» به کارگردانی داریوش فرهنگ سال ۹۲ را آغاز کرد. مجموعه‌ای خانواده محور با ریتمی کند که ارزش‌های مهمی همچون احترام به خانواده و بزرگ‌ترهای آن را محور قرار داده و طنزی ملایم را چاشنی آن کرد. در قصه این سریال لطف‌الله فرشیچیان در آستانه نوروز، همه خانواده را دور هم جمع کرده و صحبت از وقف‌نامه‌ای می‌کند که در آن نیمی از حجره بزرگ فرش‌فروشی‌اش را به خیریه‌ای متعلق به خانواده گلابچیان بخشیده است. همین مساله کشمکش‌هایی را میان دو خانواده رقم می‌زند که در نهایت با درایت لطف‌الله‌خان و نوه گلابچیان به خیروخوشی به پایان می‌رسد. فرهنگ در این مجموعه نتوانسته موفقیت ۳۰ سال قبلش را در «سلطان و شبان» تکرار



کند و مخاطبان نوروزی‌اش را راضی نگه دارد که بخش مهمی از آن به فیلمنامه کم‌افت و خیزش بازمی‌گردد. «خانه‌ای روی تپه» ساخته داریوش یاری از معدود مجموعه‌های تلویزیونی امسال با محوریت نوجوانان است که شخصیت رسول را به‌عنوان قهرمان و راوی قصه به مخاطب معرفی می‌کند. رسول روایت دیگری از مجید «قصه‌های مجید» هوشنگ مرادی کرمانی است که پس از مرگ پدر، خود را در قبال مادر و تنها خواهرش مسئول می‌داند و در این راه تلاش زیادی به خرج می‌دهد. بزرگ‌ترین حسن مجموعه خانه‌ای روی تپه، سادگی و بی‌تکلفی آن است که به مخاطب احترام می‌گذارد و قصه‌اش را با کمترین لکنت ممکن برایشان روایت می‌کند.

## شبکه سه



در سال‌های اخیر شبکه سه، همواره مجموعه‌های متنوع و خوبی را روی آنتن برده که گاه هنگام پخش خیابان‌های شهر را خلوت کرده‌اند. مجموعه‌های تلویزیونی «پژمان» ساخته سروسرشت صحت و «آوای باران» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده از کارهای پرمخاطب این شبکه در سال جاری بودند که البته دومی موفقیت خیره‌کننده‌تری داشت. پژمان یک کم‌دلی جذاب با سبک و سیاق برادران قاسم‌خانی به‌عنوان نویسندگان فیلمنامه است که براساس فوتبالیستی بازنشسته به نام پژمان جمشیدی ساخته شده و خود نیز در این نقش حضور پیدا کرده است. بخش مهمی از شوخی‌های درخشان پژمان از دل فوتبال ایران و مناسبات خاصش گرفته شده که برای مخاطب آشنا با فوتبال ایران آشنا به نظر می‌رسد.

جمشیدی در این مجموعه با سعه صدر فراوان یک بازی تمام عیار ارائه کرده و بسیاری از شوخی‌های ریزودرشت قاسم‌خانی‌ها حول محور خود را با ظرافت خاصی به تصویر کشیده است. برای مثال می‌توان به ضرب‌هوشی پایین این کاراکتر در مجموعه اشاره کرد که بخش مهمی از شوخی‌های فوق‌العاده سریال بر این اساس شکل گرفته‌اند. همچنین نباید از تیتراژ آغازین و پایانی درخشان پژمان با اجرای متفاوت و دوست‌داشتنی گروه دنگ شو بسادگی گذشت که تا مدتی در خاطر مخاطبان پژمان باقی می‌ماند.

«آوای باران» اثر حسین سهیلی‌زاده از کلیشه‌های روایتی قدیمی و امتحان‌پس‌داده‌ای بهره گرفته که به شکل هوشمندانه‌ای با برخی قصه‌های مشهور همچون «سیندرلا» و «البورتویست» تلفیق شده‌اند. سهیلی‌زاده که قواعد ملودرام را بخوبی می‌شناسد، قصه خود را براساس خیانت برادرزاده طاهرا و به زندان انداختنش شکل داده و در یک بازه زمانی بیست ساله روایت کرده است. جلالی و کاظمی‌پور در مقام نویسندگان فیلمنامه مجموعه‌ای از تپه‌ها و تپ - شخصیت‌ها را خلق کرده‌اند و از برخورد این شخصیت‌ها با یکدیگر، درام را پیش برده‌اند.

## شبکه تهران

مجموعه‌های تلویزیونی «مهرآباد» ساخته فرید سجادی حسینی به تهیه‌کنندگی علی تقی‌پور، «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» به کارگردانی محمود معظمی و تهیه‌کنندگی اکبر تحویلیان و «باغ سرهنگ» ساخته فلورا سام به تهیه‌کنندگی مجید اوجی شاخص‌ترین



مجموعه‌های شبکه تهران در سال ۹۲ بودند که اولی و آخری در گونه کم‌دلی و شاید برای شما هم اتفاق بیفتد در گونه ملودرام تولید شده‌اند. مهرآباد از جمله کم‌دلی‌های متفاوت تلویزیونی است که امید سهرابی به شکل خاصی آن را طراحی و شخصیت‌های قصه را بر این پایه خلق کرده است. شخصیت‌هایی با میزان قابل توجهی اغراق که سرنوست آنها به یکدیگر گره خورده و مخاطب را برای آگاهی از آن به‌دنبال خود می‌کشاند. مهرآباد، گروه بازیگران خوبی دارد که بسیاری از لحظات شیرین این سریال مدیون آنهاست؛ از علی سربابی و مهران احمدی گرفته تا هومن سیدی که یک‌دستی خاصی در بازی آنها موج می‌زند.

باغ سرهنگ ساخته فلورا سام دیگر مجموعه کم‌دلی شبکه تهران است که به شکل متفاوت‌تری به‌مقوله کم‌دلی پرداخته و شخصیت‌های فانتزی‌تری را با توجه به ظرفیت‌های قصه خلق کرده است. خواننده‌های جوان که برای درآوردن آلوم خود با مشکلات مالی روبه‌روست تصمیم می‌گیرد برای حل این مشکل از وام ازدواج خود استفاده کند. این زوج که پولی برای اجاره مسکن ندارند سرانجام در باغ مترو که سرهنگ که نسبت دوری با آنها دارد، ساکن می‌شوند و در این میان ماجراهای عجیبی برایشان رخ می‌دهد. مجید صالحی در نقش سرهنگ که از گذشته به زمان آمده، تلاش زیادی برای خلق شخصیتی متفاوت به‌خرج داده و برای این کار به صداسازی نیز روی آورده است، اما نیما فلاح و سحرولدیگی نیز در باغ سرهنگ با مدل نقش‌های قبلی خود ظاهر شده‌اند. تک‌لحظه‌های درخشان و برخی شوخی‌های جذاب از ویژگی‌های این مجموعه شبکه تهران به‌شمار می‌رفت.





گفت و گو با عباس شیر خدا، مرشد و شاهنامه خوان رادیو

## به عشق مردم زنده‌ام

زهره زمانی

بعید است جوانان قدیمی، عباس شیر خدا را نشناسند و با صدایش آشنا نباشند. او مرشد است و در سال‌های گذشته همه روزه با شاهنامه‌خوانی و نواختن ضرب در رادیو ایران، مردم را به سحر خیزی و ورزشکاری دعوت می‌کند.

عباس شیر خدا سال ۱۳۱۲ در تهران به دنیا آمده و از دوران کودکی به شاهنامه‌خوانی علاقه داشته و از آن سال‌ها شروع به فعالیت کرده است. عباس شیر خدا برای نوروز ۹۳ در برنامه «عیدانه» اجرا دارد. به این منظور گفت‌وگوی زیر را با وی انجام داده‌ام.

**چند سال است در زمینه مرشدی فعالیت دارید؟**  
ضرب زدن و خواندن شاهنامه را از مدرسه صبا آغاز کردم. وقتی هفت سالم بود. جلوی صف می‌ایستادم و بعد از خواندن قرآن و سرود، کتاب شاهنامه را باز می‌کردم و از روی آن می‌خواندم. جنگ رستم و اسفندیار یا رستم و سهراب را می‌خواندم و همان جا هم روی میز ضرب می‌زدم و معلم به من نمره ۲۰ می‌داد. این بیست معلم مرا به شوق می‌آورد. یواش یواش در همان مدرسه صبا یک زورخانه به نام شیر خدا درست کردند. صبح‌ها ضرب می‌گرفتم و دانش‌آموزان ورزش می‌کردند. یکی از دانش‌آموزان، رسول میرمالک، کشتی‌گیر معروف و دیگری روح‌الله قهرمانی، قهرمان دو بود. من هم در مدرسه کاپیتان تیم بودم. آن موقع هم ضرب می‌زدم و

هم می‌خواندم حتی با بجهه والیبالی بازی می‌کردم و یک دهن هم می‌خواندم. به‌طور مثال می‌گفتم چو ایران نباشد تن من مباد... دانش‌آموز حریف که می‌خواست توپ را بگیرد هول می‌شد و می‌افتاد روی زمین و ما برنده می‌شدیم. هر موقع هم برنده می‌شدیم کاپ را می‌دادیم به آنها که بازنده می‌شدند، یعنی خصلت پهلوانی ما از اول همین بوده که نسبت به دوستان بامحبت بودیم. از طرف مدرسه هم یواش یواش رخنه کردیم به بیرون.

**نمره‌هایتان در زمان تحصیل چطور بود؟**

نمره حساب و هندسه کم بود. بیشتر مواقع صفر می‌گرفتم. روزی که یک یادو می‌گرفتم، خیلی خوشحال می‌شدم برای این که معلمم بالا بیاید شاهنامه می‌خواندم و برای آن نمره ۲۰ می‌گرفتم که آن را هم مدیون آقایان حکیم لری و محمدعلی رضوانی هستم. بیست‌ها به من نیرو می‌داد و با همین نمره‌ها از رادیو و تلویزیون سر درآوردم.

**چطور شد به رادیو راه پیدا کردید؟**

در همان مدرسه‌ای که من تحصیل می‌کردم، یکی از معلم‌های خوب به اسم آقای پرویز والی‌زاده، تدریس می‌کردند که پسرشان آقای خسرو والی‌زاده گوینده شبکه ورزش هستند. برادر ایشان هم منوچهر والی‌زاده است. ایشان من را بردند رادیو، آن موقع هم آقای عباس میرآقایی، تهیه‌کننده، برنامه‌ای از من ضبط کرد و پخش شد.

قبل از این که من به میدان ارگ بیایم، در جاده قدیم شمیران برنامه اجرا می‌کردیم. راننده‌ای بود به اسم آقای

تشریف آوردند، من دعوتشان کردم و یک دهن برایشان به این مضمون خواندم: جهان پهلوان تختی نامدار، که هست از برای جهان افتخار. تختی آمد جلو و گفت برای من بخوان. گفتم آقای تختی شما پهلوان دنیا، شما بازوبند طلا دارید، من برای شما نخوانم پس برای چه کسی بخوانم؟ یک گل به من داد و گفت: از مولا علی بخوان. من از همان جا خاطر خواه این آقای تختی شدم.

**شما از دوره‌ای که اجرای زنده داشتید، خاطره خاصی دارید؟ مثلاً اتفاقی که در حین اجرای برنامه افتاده باشد.**

خیلی زیاد. یک روز داشتم در رادیو می‌خواندم و تک و تنها بودم و برنامه هم زنده بود، به خاطر هیجانم موقع ضرب‌زنی، کاغذ اشعارم پایین افتاد و هیچ کس هم نبود که به من بدهد.

شعرها را برای ما مهر می‌زدند و امضا می‌کردند و جلوی ما می‌گذاشتند، یک بیت هم نمی‌توانستیم بخوانیم، ولی موقعی که اشعار من پایین افتاد، گفتم یا ابوالفضل کمک کن که یادم بیاید و یادم آمد.

یک نرمشی مال سر و گردن است که باستانی کاران در گود زورخانه می‌گویند یکی و دو تا سه تا و... تا پنجاه خواندم. به ساعت نگاه کردم، دیدم دو دقیقه هم مانده است گفتم الان چکار کنم؟ از پنجاه تا آمدم پایین: نه چهل، هشت چهل، هفت چهل و شش چهل!

این قدر چهل، چهل گفتم تا گوینده گفت ساعت شش بامداد است. در آن زمان رئیس رادیو از من پرسید، آقای شیر خدا، شما امروز یکی و دو تا می‌خواندید. گفتم امروز این برنامه مال بانوان و نرمش بانوان بود و برای آنها خواندم.

**در بحبوحه انقلاب برنامه‌های رادیویی تان قطع نشد؟**

از همان فردای روزی که انقلاب شد، برنامه‌هایم را شروع کردم. علتش هم این بود که در هیچ جشنی شرکت نمی‌کردم. البته عده‌ای از مرشدها را می‌بردند میدان و ورزش می‌خواندند، اما چون تلویزیون می‌خواست تنم را نشان بدهد و نامرحم را می‌دیدند و گناه داشت، من نمی‌رفتم. موقعی که انقلاب شد به من گفتند بخوان چون هیچ موردی نداشتیم و قاطی برنامه‌ای نبودم.

**الان چند سالتان است؟ در خانه بچه‌ها هم اهل ورزش هستند؟**

تقریباً ۸۰ ساله هستم. ولی مرتب می‌روم سونا و ورزش می‌کنم. صبح‌ها خودم هم در خانه میل و کبابه دارم، صدایم که پخش می‌شود با صدای خودم ورزش می‌کنم.

پسر، فرهاد فوتبالیست است و دو تا داماد هم ورزشکارند. دخترانم شنا می‌روند و همسر هم ورزشکار است. ما همیشه سعی کردیم تا آنجا که می‌توانیم مردم را از نظر ورزش تقویت بکنیم و به آنها یاد بدهیم که ورزش کنند. اگر کسی سالم باشد، ورزش می‌کند و دروغ نمی‌گوید. ورزش خودش یکی از واجبات است. مخصوصاً این که ورزش باستانی در دنیا نظیر ندارد.

**در حال حاضر با کدام رادیوها همکاری می‌کنید؟**  
من با همه رادیوها همکاری می‌کنم. رادیو سلامت، رادیو نوا، رادیو ایران، رادیو تهران و رادیو فرهنگ. همه رادیوها مال ماست فرقی هم نمی‌کند، چون ما برای مردم زنده‌ایم. چند وقت پیش هم برای شبکه آموزش و رادیو ۷ به مدت یک هفته سرگذشت خودم را تعریف کردم.

**شنیدم که خاطره‌ای هم از رهبر معظم انقلاب دارید.**

همین امسال سعادت این را پیدا کردیم که خدمت ایشان باشیم. دو روز مانده بود به شب عاشورا برای امام حسین (ع) و حضرت مولا خواندم.

**برای آقای روحانی هم کاری را خواندید؟**  
بله، آقای روحانی در تالار وحدت و در جمع هنرمندان بود. ایشان گفتند من شما را سال ۶۲ در رادیو به همین شکل و شمایل دیدم، اگر صدیقتان هنوز برقرار است یک دهن بخوانید و من خواندم: خدایا تو این سایه پاینده‌دار همین هنرمندا را تا ابد زنده‌دار

ناصری و آقای سادران. در برنامه صبحگاهی که من اجرا می‌کردم، من را به برنامه‌های کارگرا، سیمای دلاوران دهقان، شما و رادیو و داستان‌های شب دعوت کردند. بعد آمدیم میدان ارگ نزد تهیه‌کننده برنامه، آقای اکبر لک‌لری که من خیلی به ایشان ارادت دارم و هنوز هم در رادیو فعالیت می‌کنند.

آن زمان که برنامه ضبط می‌شد و ما می‌خواندیم، ناظران برنامه آقای مهدی اخوان‌ثالث و مشفق کاشانی بودند. آنها می‌آمدند و می‌ایستادند تا ما شعر را غلط نخوانیم. البته من سعی می‌کردم شعر غلط نخوانم. در عمرم نشده شعر غلط بخوانم یا موقع خواندن تپق بزنم. سعی می‌کنم تهیه‌کننده را با بد خواندن آزار ندهم، چون خواننده باید در خواندنش مسلط باشد.

**اولین برنامه‌ای را که اجرا کردید، به خاطر دارید؟**  
اولین بار که صدایم از رادیو پخش شد، چون برنامه زنده بود، همان شب ده جا عروسی دعوت کردند، من هم شعرهای عروسی را درست کردم و برای دوستان خواندم. ولی آن شب هر چه خواندم به افتخار رادیو ایران خواندم.

الان هم معتقدم رادیو ایران، سرور همه رادیوهاست. من هم سعی می‌کنم از این به بعد بیایم رادیو یا شما همکاری کنم. عین قدیم‌ها بسم‌الله الرحمن الرحیم را بگویم و ورزشکاران و جوانمردان را به ورزش دعوت کنیم.

**اولین برگیه برآوردی که گرفتید یادتان هست؟**  
بله، برای سال ۳۸ - ۳۷ بود. البته من تقریباً ده سال هم جلوتر از این در رادیو میدان ارگ، فعالیت داشتم. اما اولین برآوردم ۳۹۰۰ ریال یعنی دستمزد ۳۹۰ تومان بود. ما به عشق ارقام نمی‌خواندیم ما خاطر خواه مولا هستیم و خاطر خواه ایران، هر جا هم می‌خوانیم به عشق ایران و دوازده امام، به عشق دلان می‌خوانیم. اصلاً حواس من به ارقام نبود. من می‌خواستم روز به روز ورزشکاران ما بیشتر شوند، جوانمردهای ما بیشتر شوند تا آنجا که می‌توانم با ورزش و خواندن ضرب به مردم محبت بکنم، خودم هم تا آنجا که بتوانم ورزش می‌کنم و سعی می‌کنم بیشتر ورزش ما بوی مولا را بدهد.

**در عکس‌هایی که از خاطرات گذشته شما دیدم، عکسی بود که با جهان پهلوان تختی داشتید و در آن عکس زنده‌یاد تختی به شما یک گل می‌دادند. درباره آن عکس توضیح می‌دهید؟**  
آقای تختی خدا رحمتشان کند، وقتی از المپیک

**نزدیک بازار تهران**  
ملکی به مساحت ۹۲۴۸ متر مربع زمین با ۸۱۵۱ متر مربع ساختمان کلنگی دارای سند شخصی شش دانگ  
عولون - جنب مترو  
www.ardavany.com  
۸۸۷۴۲۲۲۴

**تهران**  
**فروش پمپ بنزین**  
با ۵۰۰ متر تجاری  
۰۹۱۲۲۰۹۰۸۶۷ - ۰۹۱۲۳۲۵۴۸۲۳

**خیابان ۱۷ شهریور شمالی**  
**جنب سینما شمالی**  
۶ باب مغازه یا انباری، دارای یک کارگاه پشت مغازه  
متراژ کل ۶۸۱ متر (بدون سرقتی)  
۷۷۵۰۹۶۶۱

**توجه - توجه**  
**نیازمند اجاره یک دستگاہ کامیون باری تک یا جفت**  
۰۹۳۳۶۲۵۳۹۴۴



شبکه‌های مختلف رادیویی برنامه‌های متنوع و شادی را برای لحظه سال تحویل و تعطیلات نوروز تدارک دیده‌اند. شبکه رادیویی سلامت نیز در همین خصوص برنامه‌های مختلفی تهیه کرده است. این برنامه‌ها روی موج افام ردیف ۱۰۲ مگا هرتز از رادیو سلامت پخش می‌شود. احترام به طبیعت و ارتقای سلامت، شعار نوروز امسال رادیو سلامت است.

### هفت‌سین سلامت

«هفت‌سین سلامت» برنامه‌ای است که از ساعت ۱۸ تا ۲۱ و ۳۰ دقیقه به صورت زنده روز پنجشنبه، بیست و نهم اسفند از رادیو سلامت پخش می‌شود. شهرام زین‌العابدین، تهیه‌کننده و سردبیر ویژه برنامه سال تحویل رادیو سلامت می‌گوید: نوروز از کهن‌ترین جشن‌های ایرانی است که در سازمان ملل هم ثبت جهانی شده است. به همین دلیل برای ما ایرانی‌ها قدمت و قداست دارد. ساختار کلی برنامه‌های این ایام بر مبنای شادی است، برنامه هفت‌سین سلامت دارای بخش‌هایی شنیدنی و خاص دارد، همچون: خواص مواد خوراکی سفره هفت‌سین از بعد تغذیه، شوخی با خوانندگان، نمایش‌های طنز عیدانه، نشانه‌های تغییر سال در طبیعت و بیان آن از دیدگاه قرآن کریم و بازگویی آیین پیدایش عید نوروز در ایران باستان است که با درایت و هوشمندی دانشمندان ایرانی زمان تحویل سال در ایران دقیقاً منطبق با رویش دوباره زمین و آغاز فصل بهار، توجه به آداب و رسوم ایرانی - اسلامی از جمله تکریم بزرگ‌تراها و صلح‌رحم، نوروزخوانی و فال حافظ از بخش‌های دیگر برنامه هفت‌سین سلامت است. وزیر بهداشت دولت دهم همچنین وزیر بهداشت دولت یازدهم مهمانان حضوری برنامه هستند. مهمان ویژه‌ای هم از سازمان بهداشت جهانی داریم.

### سیب

زین‌العابدین می‌گوید: امسال پنجمین سالی است که زمان سال تحویل سفره هفت‌سین بزرگی به و گسترده‌ی ایران-پهن می‌کنیم و از طریق امواج رادیو با مخاطبان رادیو سلامت عید را جشن می‌گیریم.

می‌پرسم کدام سین هفت‌سین را بیشتر دوست دارد و چرا، که می‌گوید: سیب را دوست دارم چون نماد سلامت است. رنگ سرخ آن برای من رنگ زندگی و عشق است. روزهای پایانی سال را که همه در تلاش و تکاپو

# سین اول؛ سلامتی

## گروه‌های مختلف رادیو سلامت از برنامه‌های نوروزی خود می‌گویند



هستند، خیلی دوست دارم، بهار نوید زندگی دوباره می‌دهد. باید قدر فرصت‌ها را دانست. به گفته حافظ:

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی

که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی  
مصطفی داعی، گزارشگر برنامه هفت‌سین سلامت می‌گوید: روز بیست و نهم اسفند از آسایشگاه کهریزک، پلیس راه، همچنین گزارشی از آخرین تولد نوزاد در سال ۱۳۹۲ و اولین تولد در سال ۱۳۹۳ تهیه می‌کنم.

رادیو سلامت برنامه‌های دیگری برای ایام نوروز تدارک دیده که شامل بخش صبحگاهی از ساعت ۹ تا ۱۲ و بخش عصرگاهی از ساعت ۱۸ تا ۲۰ و ۳۰ دقیقه است. رعایت اعتدال در مصرف آجیل و شیرینی، تاکید بر نوشیدن آب سالم، ورزش و تحرک، حفظ منابع طبیعی از جمله موضوعاتی هستند که در قالب برنامه‌های شاد و طنز به آنها پرداخته می‌شود.

### گروه سلامت و تفریحات رادیو سلامت

برنامه روزهای بیست و نهم اسفند، اول و دوم فروردین را این گروه ارائه می‌کند. برنامه صبحگاهی بهار سلامت به تهیه‌کنندگی فریدون ارکانی ارائه می‌شود. او می‌گوید:

ترک سیگار، ورزش، تغذیه سالم، تناسب و زیبایی و راه‌های رسیدن به این اهداف در برنامه گنجانده شده بررسی می‌شود. همچنین از مخاطبان برنامه می‌پرسیم مهم‌ترین هدف شما در سال جدید چیست؟ مهم‌ترین هدفی که در سال ۹۲ داشتید و به آن نرسیدید چه بود؟ مجری برنامه معصومه نوازی است.

### گروه سلامت جسم و پیشگیری

برنامه‌های روزهای ششم، هفتم و هشتم را این گروه ارائه می‌کند. برنامه صبحگاهی با اسم عطر باران به تهیه‌کنندگی سودابه ایلانلو شامل رعایت بهداشت غذایی در طول سفر، تغذیه صحیح و تحرک بدنی در ایام تعطیلات است. ارتباط مستقیم با راهیان نور و گزارش نوروزی از دیگر بخش‌های این برنامه است. برنامه عصرگاهی، ترنم بهار نام دارد. تهیه‌کننده برنامه شهرام زین‌العابدین می‌گوید: در قالب برنامه‌ای شاد سعی می‌کنیم اطلاعاتی درباره نکات ایمنی در سفر به مخاطبان برنامه داده شود. همچنین دانستی‌هایی در مورد طبیعت ایران و آداب و رسوم شهرهای مختلف ایران در ایام نوروز به شنوندگان برنامه داده می‌شود.

### گروه سلامت روان و خانواده

برنامه روزهای نهم، دهم و یازدهم را این گروه ارائه می‌کند. اسم برنامه صبحگاهی دیدو باز دیداست. تهیه‌کننده برنامه، سیما غفاری می‌گوید: در این برنامه به تاثیر ارتباط خانوادگی، نقش پدر بزرگ‌گها و مادر بزرگ‌گها پرداخته می‌شود و این که در فرهنگ ایرانی - اسلامی چقدر بر این موضوع تاکید شده است. برنامه نمایش‌های طنز هم دارد. اسم برنامه عصرگاهی صدای پای بهار است. فریدون ارکانی، تهیه‌کننده این برنامه می‌گوید: محتوای برنامه نمایش طنز و لطیفه‌های نوروزی در حوزه سلامت است.

### گروه سلامت اجتماعی

برنامه روزهای دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم را این گروه ارائه می‌کند. «جاده بهار» اسم برنامه صبحگاهی این ایام است که به تهیه‌کنندگی بهرام رحمانی ارائه می‌شود.

حسین فناپی، تهیه‌کننده برنامه عصرگاهی فصل رویش می‌گوید: برنامه شامل حکایت، طنز، داستانتک، رویش دل و اندیشه است در ضمن روز شهادت حضرت فاطمه(ع) در برنامه، نقش و تاثیر زنان در رشد و شکوفایی جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برنامه بهار سلامت شامل بخش نمایشی در حوزه سلامت، خاطرات پزشکی عزیزانی که در دوران دفاع مقدس در جبهه بودند، ترانه‌های نوروزی، گزارش و مسابقه است. برنامه عصرگاهی روزهای اول و دوم فروردین «سین مثل سلامت» نام دارد.

### گروه سلامت معنوی و سبک زندگی

برنامه روزهای سوم، چهارم و پنجم را این گروه ارائه می‌کند. برنامه صبحگاهی با اسم سیب سلامت به تهیه‌کنندگی مرتضی میلانی در قالب دیدو باز دید نوروزی، احترام به بزرگ‌تراها و نقش سفر در تقویت سلامت روانی ارائه می‌شود. سیب سلامت شامل بخش‌های ورزشی، سرعت ممنوع، سفرهای نوروزی و رواندگی صحیح، سبک زندگی سالم و تغذیه سالم در نوروز است.

اسم برنامه عصرگاهی، هفت‌سین سلامت است. تهیه‌کننده برنامه موسی نظری می‌گوید: برنامه بخش‌های گوناگونی همچون گردشگری و سلامت، تندرستی در نوروز، صلح‌رحم، کودکانه، پند روز، مسابقه و نمایش طنز طیب TV دارد که در خصوص تبلیغات پزشکی ماهواره‌هاست. نظری می‌گوید: توجه به سبک زندگی،

# صدای پای بهار

## رادیو اقتصاد با ۲ ویژه برنامه به استقبال نوروز ۹۳ می‌رود



کجوری در ادامه می‌گوید: در لحظه سال تحویل به اتفاق همکاران دور سفره هفت‌سینی که در استودیو پخش رادیو اقتصاد پهن خواهد شد، جمع می‌شویم. در بخش دوم برنامه ابتدا سخنان رهبر معظم انقلاب و رئیس‌جمهور به مناسبت حلول سال نو پخش می‌شود. از ساعت ۲۱ تا ۲۲، فضای برنامه کاملاً شاد و صمیمی است. استاد حدادی به تفسیر و شرح سفره هفت‌سین و دلیل انتخاب می‌پردازد. کجوری می‌گوید: یک‌بار هم که نمی‌خواهم درباره اقتصاد صحبت کنم، نمی‌شود. چون سکه یکی از اجزای سفره هفت‌سین است. سپس درباره اهمیت صلح‌رحم، تکریم بزرگ‌تراها، ارزش‌های معنوی عیدی دادن و عیدی گرفتن صحبت می‌شود.

### ترنم بهار

اسم ویژه‌برنامه دیگر رادیو اقتصاد، «ترنم بهار» است. این برنامه از بیست و نهم اسفند تا پانزدهم فروردین ۱۳۹۳ هر روز از ساعت ۹ تا ۱۱ به صورت زنده پخش می‌شود. از بیست و نهم تا هفتم فروردین تهیه‌کننده و

بازدیدک شدن به روزهای پایانی سال، شبکه‌های مختلف رادیویی در تدارک ساخت برنامه‌های زنده و تولیدی برای ایام نوروز هستند. در زیرزمین ساختمان شهدای رادیو - که محل ضبط برنامه‌های تولیدی است - تنها صدایی که شنیده می‌شود صدای بهار است، زیرا شبکه‌های رادیویی از اوایل اسفند مشغول ضبط بخش‌هایی از ویژه‌برنامه‌های نوروزی هستند. چند بار از طبقه ششم پایین آمدم تا با رضا کجوری، تهیه‌کننده ویژه‌برنامه سال تحویل رادیو اقتصاد، گفت‌وگو کنم، ولی نشد. خلاصه پس از سه روز موفق شدم با وی صحبت کنم.

### صدای پای بهار

همان ابتدا رضا کجوری می‌گوید: مرا بابت خلف وعده ببخشید. از او می‌خواهم درباره ویژه‌برنامه سال تحویل رادیو اقتصاد توضیحاتی بدهد و او می‌گوید: برنامه «صدای پای بهار» پنجشنبه بیست و نهم اسفند، ساعت ۱۹ زنده به مدت سه ساعت روی موج افام ردیف ۹۸ مگاهرتز از رادیو اقتصاد پخش می‌شود. برنامه به دو بخش قبل و بعد از سال تحویل تقسیم می‌شود. بخش اول شامل گزارش‌های تولیدی از مردم، بازار تهران و آسایشگاه‌هاست، اما گزارش‌های زنده‌ای از حرم حضرت معصومه(ع) در قم، حرم حضرت عبدالعظیم حسینی در شهر ری و ساعت ۲۰ شب هم ارتباط مستقیم با حرم آقا امام رضا(ع) داریم. سپس شرح دعای تحویل سال توسط استاد قرائتی بیان می‌شود.

ضرب‌المثل اقتصادی از هشتم تا پانزدهم فروردین حمیده سلطانی، تهیه‌کننده و سردبیر برنامه ترنم بهار است. سلطانی در خصوص برنامه می‌گوید: یکی از رویکردهای برنامه ترنم بهار تحلیل و بررسی شعار سال ۱۳۹۳ است به همین دلیل با کارشناسان ارتباط تلفنی خواهیم داشت و به مقوله گردشگری و جاذبه‌های اقتصادی، همچنین پتانسیل‌های اقتصادی شهرهای مختلف می‌پردازیم. اقتصاد بین‌الملل در سالی که گذشت، مسابقه اقتصادی، معرفی کالاهای صادراتی ایران، گفت‌وگو با صادرکنندگان نمونه کشور، معرفی سوغاتی‌های هر استان، ارتباط با کاروان‌های راهیان نور، اعلام وضع راه‌های کشور و گزارش هواشناسی از بخش‌های دیگر برنامه است.

سلطانی همچنین می‌گوید: هر روز کارشناس برنامه یک ضرب‌المثل اقتصادی را شرح و تفسیر می‌کند و درباره ریشه و موارد کاربرد آن توضیح می‌دهد.

سلطانی در پایان می‌گوید: با همکاری معصومه‌السادات علوی، گوینده برنامه و دیگر همکاران سعی می‌کنیم لحظات شاد و مفرحی را برای مخاطبان رادیو اقتصاد فراهم کنیم و چون برنامه زنده است شنوندگان از طریق سامانه پیامکی و تماس تلفنی می‌توانند با این برنامه در ارتباط باشند و جاذبه‌های گردشگری و اقتصادی شهر و روستای خود را معرفی کنند.



# «برترین‌ها» و قصه همیشگی علم بهتر است یا ثروت

دستاوردهای علمی و اقتصادی سال در «راديو ايران» روايت مي شود

زهره زمانی

گروه دانش و اقتصاد راديو ايران در ايام نوروز با دو برنامه «برترین‌ها» و «چشم‌انداز» به بیان مهم‌ترین دستاوردهای علمی و رویدادهای اقتصادی کشور سال ۱۳۹۲ می‌پردازد. متوجه می‌شویم پروفیسور سنجابی، رئیس پژوهشکده کشاورزی و دکتر علی مرادشیدی، مسئول شبکه نانوی وزارت نفت قرار است به استودیوی برنامه برترین‌ها بیایند و به عنوان افراد نخبه و برتر کشور از تحقیقاتی که انجام داده‌اند، صحبت کنند. قبل از این که یکی از کارشناسان برنامه به استودیو وارد شود، احمد طبعی، سردبیر و کارشناس مجری برنامه برترین‌ها می‌گوید: برنامه‌ای که ضبط می‌شود ویژه نوروز است. ما از برترین‌های سال ۹۲ دعوت کرده‌ایم به استودیوی برنامه بیایند تا گفت‌وگویی با آنها داشته باشیم و به عنوان هدیه سال نو، برترین بودنشان را اعلام کنیم.

وقتی مریم بانو فطرتی، سیدی آر ام این برنامه را داخل دستگاه می‌گذارد، ناخودآگاه حس افتخار به انسان دست می‌دهد، چون در کشوری زندگی می‌کنی که با وجود تحریم‌های بسیار، جوانانش در عرصه علم گوی سبقت را ربوده‌اند. با اشاره دست آقای احمد احمدی (صدابردار)، گفت‌وگوی طبعی با دکتر علی مراد رشیدی، پژوهشگر برتر حوزه نانو آغاز می‌شود.

## دعوت از برترین‌های علمی

احمد طبعی می‌گوید: در این برنامه به همه موضوعات علمی می‌پردازیم. مباحث مربوط به مخترعان، مکتشفان، دانشمندان و پژوهشگران در عرصه‌های مختلف علوم و کارهای گوناگونی که انجام داده‌اند، از جمله مباحث نانو فناوری، نفت، فناوری در بحث صنعت پوشاک، نانو در بحث مواد خوراکی، دارویی و آب و برق صحبت می‌شود.

طبعی ادامه می‌دهد: ما روی نانوداروها کار می‌کنیم و از داروهای جدیدی که دانشمندان مان کشف کردند، داروهای جدیدی که ساخته‌اند و برترین‌ها در عرصه پژوهش، ساخت هوافضاها، گوناگون، کشاورزی، مواد مغذی و خوراکی و در هر عرصه‌ای که شما فکر می‌کنید گفته می‌شود. دانشمندان پژوهش می‌کنند و تولید علم دارند. این برترین‌های علم را دعوت کرده‌ایم بیایند. وقتی می‌پرسم فکر می‌کنید یک برنامه علمی برای جذب مخاطب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد، او می‌گوید: مهمان برنامه باید دانشمند باشد و تولید علم کرده و موضوعی که مطرح می‌کند حتما بر پایه‌های علمی استوار باشد. جامعه ایرانی باید بدانند دانشمندان این مرز و بوم در تولید علم چه فعالیت‌های گسترده‌ای می‌کنند. به هر جهت در جای جای زندگی ما علم وجود دارد و در هر رشته‌ای دانشمندان ما فعالیت‌های پژوهشی می‌کنند. قرار است ما در آینده چه نوع زندگی‌ای را با بهره‌گیری از علم داشته باشیم؟ اینها نیازهایی است که برنامه‌سازان علمی باید به آن پاسخ دهند.

## برترین‌ها و تقویت روحیه خودباوری

پیش از این که مریم بانو فطرتی (تهیه‌کننده)، موسیقی پخش کند، می‌گوید: برنامه علمی از لحاظ ساختار تفاوتی با سایر برنامه‌ها ندارد، اما از نظر محتوایی خیلی فرق می‌کند، چون موضوع آن علوم مختلف است. البته تهیه برنامه علمی برای من شخصا خیلی جذاب است. با این که چند سال است برنامه‌های علمی را تهیه می‌کنم، اما خودم هم از شنیدن آن لذت می‌برم، چون به دانشمندان افزوده می‌شود و از نزدیک با دانشمندان کشورم آشنا می‌شویم و به پیشرفت در حوزه‌های مختلف علوم در کشور پی می‌برم.



عکس‌ها: ایوان ابراهیم

رحیمی با اشاره به این که گزارش‌هایش صرفاً علمی نیست، ادامه می‌دهد: گزارش‌هایی که ما می‌گیریم تک‌بعدی نیست و تنها جنبه علمی ندارد و جنبه تفریحی دارد. برای مثال دیشب عروسی پسر یکی از مهمان‌های ما بوده است یا هنوز بخش‌هایی از جهیزیه دخترش را نخریده. شیرینی سال جدید به دغدغه‌های روزمره‌ای که نمونه‌اش برای همه ما وجود دارد، اضافه می‌شود.

آن قدر رحیمی از پول صحبت می‌کند که با خنده می‌پرسم خیلی از پول صحبت کردید با این که برنامه‌های علمی است، می‌گوید: دغدغه همه کسانی که در حیطه علمی فعالیت می‌کنند تجاری‌سازی دستاوردها و اختراعاتشان است. بیشتر کسانی که در برنامه برترین‌ها یا حتی برنامه سوال که آن هم جزو برنامه‌های گروه دانش است، شرکت می‌کنند ناراحتی و نگرانی دارند که برای محصول تولید شده پولی وجود ندارد که تجاری بشود. امیدوارم سرمایه‌گذارانی که این مطلب را می‌خوانند لطفی بکنند با یک نگاه مهربانانه برای اختراعاتی که به وسیله دانشمندان خودمان در ایران می‌شود سرمایه‌گذاری کنند تا هم نام ایران را مثل همیشه مطرح کنیم و باعث افتخار ایرانی شویم و هم این که خودشان از این دستاوردها استفاده کنند. بیشتر کسانی که در برنامه برترین‌ها شرکت می‌کنند جزو برترین‌های علمی هستند، اما از نظر مالی خیلی قوی نیستند. قصه علم بهتر است یا ثروت در برنامه برترین‌ها خیلی تکرار می‌شود.

او درخصوص بازتاب این گزارش‌ها می‌گوید: موردی در برنامه «سوال» بوده است که مخترعانی آمده بودند و درباره دستاوردهای علمی و اختراعاتشان صحبت کرده بودند، مردم زنگ زدند و پیگیری کردند که این دستگاه اختراع شده چطور است و ما چگونه می‌توانیم آن را پیدا کنیم یا این که سرمایه‌گذاران گفتند ما می‌توانیم کمک‌تان کنیم. وقتی دستاوردهای علمی که در برنامه سوال یا بهترین‌ها به تولید انبوه برسند و معرفی شوند هم ما و هم سرمایه‌گذاران و هم مردم شاد می‌شویم. تنظیم موج: برترین‌ها به مدت ۱۵ روز از اول فروردین سال ۱۳۹۳ ساعت ۱۷ به مدت ۲۰ دقیقه از راديو ايران موج FM ردیف ۹۰ مگاهرتز پخش می‌شود.

یک تکنولوژی جدید است. ما هم به دید یک ابزار و تکنیک به آن نگاه می‌کنیم و خوب است مردم هم با تکنیک‌های جدید آشنا شوند، چراکه نانو در حال حاضر وارد زندگی ما شده است. در زندگی روزمره، وسایل خانه، ساختمان، جاده، مباحث محیط زیستی و صنایع مختلف. بنابراین بهتر است مردم با این ابزار آشنا شوند.

## تکرار قصه علم بهتر است یا ثروت

از مهدیه رحیمی درباره گزارش‌هایی که برنامه برترین‌ها برای ایام عید تهیه می‌کند می‌پرسم، می‌گوید: مهمان‌های برنامه برترین‌ها، برترین‌های سال ۹۲ هستند. ما با آنها گفت‌وگویی صمیمانه شبیه دید و بازدیدهای عید داریم و درباره اتفاقاتی که در سال ۹۲ افتاده و موفقیت‌هایی که کسب کرده‌اند صحبت می‌کنیم. این که اهل کجا هستند، سوغات شهرشان چیست، بحث عیدی دادن و عیدی گرفتن در آیتیم زیر صدا. در این برنامه عیدی خیلی خوبی می‌دهیم البته امیدواریم مردم همیشه جیب‌هایشان پر پول باشد، ولی این عیدی‌ها عیدی‌هایی است که با پول و مادیات قابل مقایسه نیست.





# سفر به دنیای خاطره‌ها

گزارشی از پشت صحنه برنامه «تمام قد» که در حال پخش است

مریم کریمی



چگونه شکل گرفت؟

## قاب در پیامک

۳۱۲۹---۰۹۳۷: قاب کوچک در شماره‌های اخیر خود صفحات ویژه‌ای به برنامه‌های کودک تلویزیون اختصاص داده، اگر امکان دارد از کارتون‌های تلویزیون بیشتر بنویسید.

۹۶۸۶---۰۹۱۵: من یکی از طرفداران مطالب زیبایی قاب کوچک هستم. درخواست می‌کنم بیشتر از این به کارهای تلویزیونی در جهان بویژه در کشورهای آسیایی بپردازید.

تشکر از نظر لطف شما. هم‌اکنون می‌توانیم یک صفحه را به انعکاس فعالیت‌های تلویزیونی کشورهای دیگر اختصاص بدهیم.

۲۶۷۳---۰۹۱۹: بازی مه‌رمان احمدی بازیگر نقش شکیب در سریال تلویزیونی «آوای باران» درخشان بود. از این بازیگر برای این بازی خوب و جذاب تشکر می‌کنم.

۳۸۱۴---۰۹۱۹: اگر ممکن است در قاب کوچک به نقد فیلم‌های تلویزیونی برگزیده سومین جشنواره تلویزیونی جام‌جم بپردازید.

این فیلم‌های تلویزیونی را در مقاطع مختلف و در زمان پخش آنها از شبکه‌های مختلف مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم.

۷۲۴۰---۰۹۳۸: نقدها و گفت‌وگوهای قاب کوچک درباره ساخت طنزهای تلویزیونی، مطالب سازنده‌ای بود که کاش مورد استفاده دست‌اندرکاران ساخت طنزهای تلویزیونی قرار گیرد، زیرا سریال‌ها و برنامه‌های طنز در سال‌های اخیر مثل گذشته قوی و پرفرمدار نیستند.

۷۱۳۰---۰۹۳۹: بعد از خبری که درباره حضور مجدد مه‌رمان مدیری در تلویزیون اعلام شد، خبری از همکاری تازه او با تلویزیون منتشر نشد. آیا مدیری برای نوروز ۹۳ در تلویزیون برنامه خواهد داشت؟

خیر، هنوز خبری رسمی درباره فعالیت مجدد مه‌رمان مدیری در تلویزیون رسانه‌ای نشده است.

۹۷۲۳---۰۹۱۴: برنامه «هفت» در جشنواره فیلم فجر با عوامل و بازیگران فیلم «متروپل» گفت‌وگو نکرد در حالی که مه‌ناز افشار در این فیلم یکی از بازی‌های درخشان خود را به نمایش گذاشته است.

تا آنجا که ما می‌دانیم، تعدمی در این قضیه نبوده است. کارگردان و برخی عوامل این فیلم در فرش قرمز و نشست خبری جشنواره هم شرکت نکرده بودند و در محل برگزاری جشنواره حضور نداشتند که به این برنامه بیایند.

۷۲۸۵---۰۹۱۲: لطفاً بیشتر به فعالیت هنرمندانی که این روزها فعالیت‌شان در تلویزیون کمتر شده بپردازید و با شهلا ریاحی، حسن رضایی و بازیگران سریال قدیمی «آینه عبرت» گفت‌وگو کنید.

۲۲۱۴---۰۹۱۸: با تشکر از ضمیمه خوب قاب کوچک، از سازندگان سریال ستایش ۲ بویژه نرگس محمدی بازیگر این سریال سپاسگزارم.

۱۷۸۳---۰۹۱۲: چه سریال‌هایی برای نوروز ۹۳ از تلویزیون پخش خواهد شد؟

پایتخت ۳ (شبکه یک)، خوب، بد، زشت (شبکه دو)، روزهای بد، در (شبکه سه)، یادداشت‌های یک زن خانه‌دار (شبکه چهار)، خوشبختی در می‌زند (شبکه تهران) و ماجراهای پریشان (شبکه آموزش) از مجموعه‌هایی هستند که برای پخش در نوروز ۹۳ آماده می‌شوند.

۲۱۹۲---۰۹۱۱: از عوامل سازنده برنامه طنز «قندپهلو» متشکرم.

۵۸۷۷---۰۹۳۶: به نظرم سریال «آوای باران» داستانی پر از اغراق و اتفاقات باور نکردنی داشت و بازی‌های آن بخصوص آقای احمدی و خانم چرخنده اغراق آمیز و غیرقابل باور بود. ای کاش شبکه سه سریال‌های پرمتن‌تری نظیر «همسایه‌ها» و «سفر سبز» بسازد.

## نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود

همان‌طور که صادقی خاطراتش را مرور می‌کند، با نوشتن رهگذر، تهیه‌کننده برنامه گفت‌وگو می‌کنم. او می‌گوید: ما با دعوت از برترین هنرمندان، پیشکسوتان و چهره‌های برجسته و ماندگار در عرصه‌های هنری، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی و... جمعه‌ها از ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه از موج اف.ام.ردیف ۹۴ مگاهرتز همراه شنوندگان رادیو تهران هستیم.

رهگذر به دیگر مهمانانی که در این برنامه حضور یافته‌اند اشاره می‌کند و می‌گوید: برنامه تمام قد یک گپ و گفت یکساعته با فرهیختگان و چهره‌های ماندگار در عرصه‌های مختلف هنری، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی و روی آنتن می‌رود. از جمله مهمانان برنامه می‌توان به دکتر شهریار کهن‌زاد جراح و موسیقیدان، خسرو سلجوقی، کارآفرین ورمی کمپوست ایران، ولی‌الله مومنی بازیگر نقش میزرا کوچک خان، مصطفی آقامیری طراح فرش، تذهیب و نگارگری و دکتر سیداحمد محیط‌طباطبایی، رئیس شورای بین‌المللی موزه‌ها اشاره کرد.

رهگذر در ادامه می‌افزاید: به مناسبت‌های مختلف از جمله هفته دفاع مقدس، محرم یا گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان این برنامه با حضور مهمانانی از جانبازان، ایثارگران و آزادگان گرانقدر که در هشت سال جنگ تحمیلی از میهن خود شجاعانه دفاع کردند، پخش می‌شود.

آنچه در این برنامه حائز اهمیت است گفت‌وگوی صمیمانه با مهمان برنامه است تا با راحتی خاطرات و دغدغه‌های خود را بیان کنند.

صادقی درباره بازگشتش به ایران و خدمت به هموطنان می‌گوید: از قیاس فرهنگ اصیل ایرانی با فرهنگ غربی، درباره زادگاهش سمنندج و شهر کودکی‌اش که در آن نمایش‌های تئاتر خیابانی را اجرا می‌کرده است.

اگر شما هم شنونده برنامه تمام قد باشید به این ضرب‌المثل که نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود ایمان می‌آورید و با دنیای دیگر و آن روی سکه زندگی و فعالیت‌های هنرمندان و بزرگان عرصه‌های مختلف آشنا می‌شوید که با همت و پشتکاری که داشته‌اند هم‌اکنون به قله‌های پیشرفت و ترقی رسیده‌اند و برای رسیدن به هدف و مقصد خود از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرده‌اند.

## کار جوهر زندگی و فلسفه زندگی است

«در خانواده‌ای به دنیا آمدم که ادب و مسائل اجتماعی در آن مطرح بود. در دوران کودکی برای اولین بار همراه برادرم و دوستانش به سینما رفتم و چنان محو تماشای فیلم شده بودم که در سالن سینما جا ماندم، بعد از آن هم زمانی که وارد دبستان شدم با ترفندهای مختلفی به تماشای نمایش تئاتر می‌رفتم و همان موقع بود که احساس کردم به تئاتر و نمایش علاقه‌مندم، پس انقلابی در درونم شکل گرفت.»

این گفته‌ها را صادقی با شور و شوقی وصف‌نشدنی تعریف می‌کند. او با بیان شیوایی که دارد در ادامه از خاطرات اجرای نمایش‌های تئاتر که در کوچه و بازار سمنندج با دوستان خود اجرا می‌کرده و نمایش‌هایی که در کوچه‌ها با همکلاسی‌هایش تمرین می‌کردند، از چگونگی خرید کیهان بچه‌ها، از دوران دبستان و دبیرستان می‌گوید.

خاطره بازی، خنده، زنده شدن یاد و خاطر دوران کودکی، گذشته‌ها، نه فقط حس خوشایندی را در مهمان برنامه ایجاد می‌کند، بلکه شور زندگی را در شنونده‌ها جلا می‌دهد.

چگونگی بورسیه شدن، ادامه تحصیل و این که چگونه وارد دانشگاه شده است، این که شبانه روز در حال درس خواندن بوده و لحظه‌ای از تحصیل و دانش غافل نبوده، حس سرزندگی و امید را در شنونده‌ها زنده می‌کند. این که چه مسیر پریچ و خمی را با عشق و علاقه برای رسیدن به موفقیت طی کرده است و برای رسیدن به اهدافش از هیچ کوششی دریغ نکرده و غم دوری از وطن را به جان خریده و در کشوری غریب و با زبانی بیگانه مدت ده سال به ادامه تحصیل پرداخته است.

صادقی می‌گوید: از سال ۶۴ که ۲۸ سال از آن دوران می‌گذرد، دمی آسوده نبودم. ۱۲۰ مقاله، ۲۸ نمایشنامه و ۴۸ کارگردانی در کارنامه کاری‌ام دارم، البته منهای ده فیلم کوتاهی که ساختم و ۲۰ فیلم و سریالی که بازی کردم. حتی ۴۰۰ نمایشنامه‌ای که چاپ شد و تدریس در ده، دوازده دانشکده، الان هم با شور و حرارت روزی ده ساعت کار می‌کنم. زندگی من معنایی جز کار ندارد، کار جوهر زندگی و فلسفه زندگی است.



# تاک شوی متفاوت هندی



ایندیافام / مترجم: کیکاووس زبیری

«پسندیده‌ترین هندی» نمایش تازه تلویزیونی هند است که به سبک Talk show تهیه شده و در هر ایزود آن یکی از بازیگران مطرح قدیمی و جدید سینمای هند به عنوان مهمان حضور پیدا می‌کند. پخش این برنامه نمایشی تلویزیونی در مدت کوتاهی که از عمر آن می‌گذرد، با استقبال بالایی تماشاگران هندی روبه‌رو شده است. همین نکته این برنامه را به یکی از پربیننده‌ترین و جنجالی‌ترین تاک‌شوهای رسانه تلویزیون هند تبدیل کرده است. با آن که سیمی گاروال، مجری برنامه یکی از بازیگران غیرستاره سینمای هند در دهه ۷۰ میلادی است (و یک چهره بسیار مشهور سینمایی اجرای برنامه را در دست ندارد)، ولی پسندیده‌ترین هندی توانسته موفقیت بسیار زیادی میان مردم و برنامه‌های تلویزیونی کسب کند. منتقدان تلویزیونی در این کشور آسیایی می‌گویند در کنار حضور بازیگران سرشناس در برنامه (که کمک زیادی به جذب تماشاگران می‌کند) حال و هوای برنامه و نوع رودرویی مجری با مهمانان،

مهم‌ترین عامل موفقیت بالای آن است. اهل فن عقیده دارند پسندیده‌ترین هندی، حال و هوای تازه‌ای به تاک‌شوهای تلویزیونی هند داده و از کلیشه‌های رایج در این نوع برنامه‌ها دور است. به گفته آنها، همین تنوع و تازگی عامل اصلی استقبال تماشاگران تلویزیونی از آن بوده است. منتقدان تلویزیونی می‌گویند نوع پرسش‌های برنامه غیر تکراری و بدیع است و با قرار دادن چهره‌های سرشناس در موقعیت‌های تازه و دشوار، چهره تازه‌ای از آنان ارائه می‌کند. در حقیقت، نوع رودرویی مجری و مهمان به شکلی است که تماشاگران مایل هستند ببینند در ادامه ماجراها، چه اتفاقاتی می‌افتد و هنرمندان شرکت‌کننده چه واکنش‌هایی از خود ارائه می‌کنند. اهل فن می‌گویند به دلیل همین نوع رویارویی مجری و مهمان است که تا به حال آمیتاب باچان و سه خان بزرگ بالیوود (عالم، سلمان و شاهرخ) هنوز حاضر به شرکت در پسندیده‌ترین هندی نشده‌اند و می‌ترسند در دام پرسش‌های سیمی گاروال بیفتند؛ در حالی که استقبال خوب تماشاگران از برنامه باعث شده تولید فصل تازه‌ای از آن هم در دستور کار قرار گیرد.

شبکه استار تی‌وی که تهیه‌کننده برنامه است، گفته در فصل جدید آن تماشاگران تلویزیونی سه‌خان بزرگ بالیوود را هم روبه‌روی مجری آن خواهند دید. منتقدان تلویزیونی به این نکته اشاره می‌کنند که رمز موفقیت پسندیده‌ترین هندی در دفاع آن از صداقت و راستگویی است. در حقیقت مهمانان برنامه قول می‌دهند تمام سؤالات مجری را با صداقت تمام جواب بدهند و متوسل به دروغ‌گویی نشوند. همین مساله باعث شد برخی مهمانان شرکت‌کننده (و از جمله جان آبراهام، دیپیکا پادکونه و رانییر سینگ) در برابر برخی پرسش‌ها برای لحظاتی مکث کنند و با این کار خود، همچنان خاصی به برنامه بدهند. نکته دیگری که برنامه را پربیننده کرده، رودرویی مهمانان با جمعیت تماشاچی حاضر در استودیوست. در بخشی از برنامه، مهمانان روبه‌روی تماشاگران ایستاده و باید پاسخ‌هایی صریح و صادقانه به پرسش‌های مختلف آنها بدهند. از آنجا که مهمانان شرکت‌کننده نمی‌دانند طرف مقابل چه پرسش‌هایی مطرح خواهند کرد، نوعی اضطراب و دست‌پاچگی در آنها دیده می‌شود. اگر مهمانان نتوانند جواب قانع‌کننده‌ای

به فرد پرسش‌کننده بدهند، جریمه شده و باید به پرسشگر جایزه‌ای بدهند. در طول پرسش و پاسخ مهمانان با تماشاگران، مجری سکوت کرده و دخالتی نمی‌کند. این بخش برنامه از نکاتی است که سخت مورد توجه تماشاگران تلویزیون قرار گرفته است.

پسندیده‌ترین هندی، نسبت به مسائل اجتماعی هم بی‌تفاوت نیست و از شهرت هنرمندان شرکت‌کننده در برنامه به نفع امور خیریه بهره‌برداری می‌کند. در پایان هر ایزود، مهمان برنامه دعوت می‌شود به صورت زنده جلوی چشم تماشاگران، تابلویی را نقاشی کند. این تابلو (که معمولاً بسیار ساده کشیده می‌شود) از سوی هنرمند مورد نظر امضا می‌شود و در یک حراج اینترنتی به مزایده گذاشته و فروخته می‌شود. مبلغی که از فروش این تابلوها فراهم می‌شود، به انجمن‌های خیریه کودکان و نوجوانان داده می‌شود. این اقدام برگزارکنندگان برنامه از چیزهایی است که مورد پسند منتقدان تلویزیونی و فعالان اجتماعی قرار گرفته است. مسئولان شبکه استار تی‌وی می‌گویند استقبال خریداران حراج‌های اینترنتی از تابلوهای برنامه خوب و بالا بوده است. به گفته آنها، این تابلوهای آبرنگ ساده و آماتوری به رقم‌های بین هفت تا ۲۰ هزار دلار فروخته می‌شوند. خریداران این تابلوها، هم مجموعه‌داران و هم طرفداران بازیگران سینما هستند.

سیمی گاروال، مجری برنامه که طراح اصلی آن هم است، می‌گوید: زمانی که بحث تولید پسندیده‌ترین هندی مطرح شد، به تهیه‌کنندگان گفتیم خواهان تولید تاک‌شویی هستیم که حال و هوای تازه‌ای داشته باشد. نگرانی اصلی‌ام این بود که هنرمندان مطرح سینما حاضر به همکاری با من نشوند و به عنوان مهمان در آن شرکت نکنند، اما خوشبختانه بیشتر آنها از طرح من استقبال کردند و برای حضور در برنامه اعلام آمادگی کردند. نکته‌ای که منتقدان تلویزیونی به آن اشاره کرده و در اینجا بازگو می‌کنم، این است که تماشاگران چهره تازه‌ای از هنرمندان سرشناس و مورد علاقه‌شان می‌بینند. حضور کسانی مثل کارن جوهر (که خودش مجری یک تاک‌شوی موفق تلویزیونی است)، پریانکا چوپرا، رانی موکرژی، سوناکنشی سینها و رانییر کاپور در برنامه ما یکی از نقاط قوت آن به حساب می‌آید.

سیمی گاروال، مجری برنامه متولد سال ۱۹۴۷ است. او در دهه ۷۰ میلادی بازیگری در سینما را آغاز کرد و «نام من زوکر است» ساخته راج کاپور معروف‌ترین فیلم سینمایی اوست. گاروال در دهه ۸۰ میلادی فعالیت‌های سینمایی خود را کاهش داد و حدود یک دهه قبل با دنیای سینما خداحافظی کرد. برنامه نمایشی او پسندیده‌ترین هندی ابتدای امر، فقط هنرمندان مجرد را به عنوان مهمان با خود داشت. قرار است در فصل جدید، هنرمندان متاهل هم به این جمع اضافه شوند. این برنامه روزهای یکشنبه در ساعت ۹ شب پخش می‌شود. این ساعت یکی از پربیننده‌ترین ساعت‌های پخش برنامه‌ها و نمایش‌های تلویزیونی است.

## درگذشت بازیگر «خانواده دالتون‌ها»

جدید «روزهای زندگی ما» بود. پخش این مجموعه از سال ۲۰۰۹ شروع شد و وایت هنگام مرگ، در حال بازی در فصل چهارم آن بود. این بازیگر برای خانواده دالتون‌ها نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد نقش مکمل مراسم امی (اسکار تلویزیونی) شد. وایت به سیاست هم علاقه‌مند و در جنبش‌های ضد جنگ فعالانه شرکت داشت.

موفقیت زیادی کسب کند و به صورت بازیگر نقش‌های مکمل و کم‌اهمیت سینمایی درآمد.

بزودی تلویزیون خانه اصلی رالف وایت شد. اوج موفقیت وی در مجموعه «خانواده دالتون‌ها» بود. وی از اواخر فصل اول مجموعه به جمع بازیگران آن اضافه شد و در ده سال (تا سال ۱۹۸۱) در ۱۹۶ ایزود از ۲۰۱۳ ایزود آن بازی کرد.

وایت که تا زمان مرگ از چهره‌های فعال و محبوب تلویزیونی بود، در بیش از ۸۰ مجموعه و فیلم تلویزیونی ظاهر شد. بسیاری از این مجموعه‌ها جزو کارهای پربیننده بود، ولی هیچ‌یک از آنها موفقیت کلان خانواده دالتون‌ها را تکرار نکرد.

می‌سی‌سی‌بی (۱۹۸۲)، قرارداد شانسون (۱۹۹۰)، یک جنایت (۱۹۹۶) و کارناوال (۲۰۰۵) از دیگر کارهای مطرح تلویزیونی وایت بود.

این بازیگر در زمان مرگ مشغول بازی در فصل



وایت که سال ۱۹۲۸ به دنیا آمد، در تمام سال‌های فعالیت هنری خود در مجموعه‌های درام خانوادگی ظاهر شد و توانست به چهره محبوب خانواده‌ها بدل شود. اولین حضور وایت جلوی تماشاگران در سال ۱۹۶۹ و روی صحنه تئاتر برادوی بود. او پس از بازی در تعدادی نمایش موفق راهی دنیای سینما شد، ولی نتوانست

رالف وایت، بازیگر قدیمی تلویزیون در هشتادوشش سالگی درگذشت. تماشاگران رسانه کوچک این بازیگر قدیمی را بیشتر برای مجموعه تلویزیونی کلاسیک و پربیننده «خانواده دالتون‌ها» می‌شناسند. او در این مجموعه در نقش جان دالتون، یکی از اعضای خانواده بازی کرد.